چاپ دوم

آن سفر کرده

پیامک‌های مهدوی



گردآوری: مجتبی بیله

بسم الله الرحمن الرحیم

آن سفر کرده : پیامک های مهدوی

نویسنده:

مجتبی بینا

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آن سفر کرده : پیامک های مهدوی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : آن سفر کرده : پیامک های مهدوی/مجتبی بینا

مشخصات نشر : قم: بنیا دفرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ص.؛ ۹.۵×۲۰س م.

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۲۶۶۸۰

اشاره

آن سفرکرده (پیامک های مهدوی)

گردآوری:مجتبی بینا

ناشر/ موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج)

طراح و صفحه آرا/ عباس فریدی

نوبت چاپ/ اول، بهار ۱۳۹۱

شمارگان/ ۲ هزار نسخه

بها/ ۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویّت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ m تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس:۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج) / تلفن: ۴-۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۶-۳۷-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

آن سفرکرده که صد قافله دل همره اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

ص:۴

فهرست مطالب

مقدمه ناشر

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه، کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».

پس از معرفت به خدای متعال مهم ترین اصل اساسی، شناخت خلیفه خداست تا به وسیله او راه از چاه شناخته شود و هدایت الهی محقق شود.

السلام علیك یا نور الله الذی یهتدی به المهتدون؛ سلام بر تو ای نور خدا که به وسیله این نور هدایت یافتگان هدایت می شوند. و این یعنی، مؤمنین، متقین و هدایت یافتگان نیز در استمرار حرکت خویش نیاز به هدایت مجدّد

دارند.

وظیفه شناسی

یکی از وظایف شیعه در زمان غیبت ترویج نام و یاد حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چرا که با نام و یـاد ایشـان است که مرگ جاهلیت تبـدیل به حیات طیبه می شود. ترویـج نام و یاد آن عزیز سـفر کرده است که بـذر محبت خلیفه الهی را در قلوب تشنگان محبت می افشاند تا نهال توحید در آن بارور شود.

استفاده از ابراز روز و تکنولوژی کارآمد در ترویج مهدویت، استفاده از فرصت های مناسب است که تبلیغ دین را هرچه سریع تر و آسان تر می سازد. کتاب حاضـر که محصول زحمات برادر ارجمند جناب آقای مجتبی بینا می باشد ما را در انجام وظیفه ـ ترویج و تبلیغ نام و یاد مولایمان حضرت حجه ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ یاری می رساند.

باشـد که انشـالله بـا ارسـال این پیامـک هـا و ایمیل ها به هرمناسـبتی، خصوصا جمعه ها، از ثواب ایجاد جومهـدوی برای زمینه سازی ظهوربرخوردارگردیده و مارا از دعای خیر خود

محروم نسازید.

در پایـان گفتنی است اشـعار و پیامـک هـای منـدرج در این مجموعه از سایت ها، کتب، مجلات و روزنامه های مختلف جمع آوری شده است که بدین وسیله از کلیه صاحبان آنها تشکر می شود.

ای آفتاب حسن برون آ دمی ز ابر

کان چهره مشعشع تابانم آرزوست.

انتشارات موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

بهار ۱۳۹۱

ص:۸

احادیث مهدوی

 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هرکس بمیرد؛ درحالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.(۱)

 امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که حضرت مهدی ظهور می کند، حضرت عیسی نیز به زمین می آید و پشت سر حضرت می ایستد و در نماز، به او اقتدا می کند.(۲)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه ای به یکی از شیعیانشان چنین نوشتند: هیچ عملی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد؛ پس نماز بخوان و بینی او را به خاک بمال.(۳)

 و در نامه ای دیگر به یکی از شیعیانشان

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۷۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

نوشتند: هیچ چیز ما را شیعیان جدا نکرده است؛ مگر آنچه از اعمال ایشان به ما می رسد که [آن اعمال] خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نداریم.(۱)

 همچنین از نامه های ایشان است: در حوادث، به علمای دین مراجعه کنید؛ همانا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم.(۲)

 امام صادق علیه السلام فرمودند: هر فقیهی که نفس خود را از گناه و حرام حفظ کند، حافظ دین باشد، با هوای نفس خود مخالفت کند و امر مولایش را اطاعت کند، بر دیگران لازم است که از او پیروی کنند و این خصوصیت ها در همه فقهای شیعه جمع نمی شود؛ بلکه بعضی از ایشان این صفات را دارند.(۳)

 صفات یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در بیان امام صادق علیه السلام : در قلوبشان، به ذات خدا شک ندارند؛ مانند کنیزی، فرمان بردار امام خود هستند؛

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴ .
۳- بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸.

شب ها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند.(۱)

 صفات یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در بیان امام علی علیه السلام : ایشان به سبب صبر در راه خدا، بر خداونـد منت نمی گذارنـد؛ از اینکـه جـان خـود را تقـدیم حضـرت حق می کننـد، بر خـود نمی بالنـد و آن را بزرگ نمی شمارند.(۲)

یاران مهدی، این گونه اند. ما چگونه ایم؟

 حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: من آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستم. به سبب وجود من، خدا بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می کند.(۳)

امام حسین علیه السلام فرمود: هرکس، حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می شمرد و به دیگران ستم می کند، باید در عمل و گفتار با او مخالفت کند؛ وگرنه در جهنم، با همان حاکم [ستمگر] خواهد بود.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.
۲- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۱۴ .
۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰.
۴- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۴، ص ۴۸.

□ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم.(۱)

حال روا نیست که ما نیز هر روز، با صلواتی او را یاد کنیم!

□ خداوند، در حدیثی قدسی می فرماید: اگر کسانی که از من روی بر گردانده اند، می دانستند که چقدر مشتاق ایشانم، هر آینه از شدت شوق جان می سپردند.(۲)

□ حضرت علی علیه السلام فرمودند: هر مؤمنی که بیمار شود، ما نیز بیمار می شویم و با حزن و اندوه او ما نیز محزون و غمناک می شویم؛ در پی هر دعایش، آمین می گوییم و اگر دعا نکند، ما برای او دعا می کنیم.(۳)

□ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:اگر شیعیان ما بر پیمانشان [که با ما بسته اند] بمانند، ظهور به

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.
۲- جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۰۳.
۳- بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰ .

تأخیر نمی افتد.(۱) پس اگر ما برای ظهورش آماده شویم، او به حتم، خواهد آمد.

 امام باقر علیه السلام فرمودند: [هنگام ظهور] نداکننده ای از آسمان، قائم ما را به نام می خواند و هرکه در شرق یا غرب زمین است، آن را می شنود.

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به راستی که ظهور [و زمان آن] در دست خداست. هرکه برای آن زمان تعیین کند، دروغگوست.(۲)

 امام رضا علیه السلام فرمودند: به یقین، ظهور ناگهانی به وقوع می پیوندد.(۳)

راستی، آیا برای این حادثه ناگهانی آماده ایم؟

 مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در عصری ظهور می کند که نظر [خواست] اشخاص، بر قرآن مقدم شده است. او افکار [دل ها] را به قرآن متوجه و آن را بر

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶ .
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.
۳- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

جامعه حاکم می کند.(۱)

 زمانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، دستش را بر سر بندگان خواهد کشید. آن گاه عقل ها را کامل می کند و خُلق ها را به کمال می رساند.(۲)

 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در دولت او مردم آنچنان در رفاه و آسایشی به سر می برند که هرگز نظیر آن دیده نشده است.

 امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، چنان دارایی ها را با عدالت و مساوات [میان مردم] تقسیم می کند که اگر برای دادن زکات، تمام زمین را بگردی، محتاجی نمی یابی تا زکات را به او پرداخت کنی.(۳)

 امام کاظم علیه السلام فرمودند: جسمش از دیدگان غایب می شود؛ ولی یاد او، در دل های مؤمنان زنده خواهد بود.

 امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل آسمان و

ص:۱۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
۳- آفتاب مهر، ص ۲۵۳.

زمین باظهور او شادمان می شوند و پرندگان و ماهیان نیز، با ظهور او شادی می کنند.

 حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی به یکی از شیعیان فرمودند: من مهدی و قائم هستم. من کسی هستم که زمین را از عدل پر می کنم، همان گونه که از ستم پر شده است. هیچ گاه زمین از حجت خدا خالی و مردم در وقفه نمی مانند. این امانتی است که فقط به برادرانت (از اهل حق) بگو.(۱)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: من ذخیره خدا در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم.(۲)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: خداوند با هیچ کس خویشاوند نیست. هر کس مرا انکار کند، از من نیست و راه او، راه پسر نوح است.(۳)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: در زمان غیبتم، مردم همان گونه از وجودم بهره مند می شوند

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

که از خورشید در پشت ابرها بهره مند می شوند.(۱)

 همچنین می فرماید: وجود من سبب امان زمینیان است، همان گونه که ستارگان، سبب امان آسمانیان هستند.(۲)

 همچنین: دل های ما ظرف اراده خداست؛ هرگاه او چیزی را اراده کند، ما نیز همان را اراده می کنیم.(۳)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: آن گاه که خداوند به ما اجازه دهد تا سخن بگوییم، حق آشکار و باطل نابود می شود.(۴)

 و نیز: ما از هرکس بیزاری جوییم، خدا، فرشتگان، پیامبران و اولیائش نیز، از او بیزاری می جویند.(۵)

 همچنین: برای تعجیل فرج بسیار دعا

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.
۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۱.
۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶.
۵- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

کنید؛ زیرا دعا برای فرج، سبب گشایش گرفتاری های شماست.(۱)

 آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای من الگویی نمونه است.(۲)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: از خدا بترسید، تسلیم ما باشید و کارها را به ما واگذارید، (اگر چنین کنید) آن گاه بر ما واجب است که شما را از سرچشمه سیراب کنیم، همان گونه که بردن شما به سوی سرچشمه نیز، بر عهده ما بوده و درپی آنچه از شما نهان شده است، نباشید.(۳)

 و می فرمایند: نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که بال پشه از دینداری آنان محکم تر است، ما را می آزارند.(۴)

 همچنین: از راه راست منحرف نشوید و مقصد خود را بر اساس محبت و دوستی ما

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.

۴- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

که راهی روشن است، به سوی ما قرار دهید.(۱)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: اگر شیعیان ما (که خداوند آنها را بر به جاآوردن طاعت خویش موفق گرداند) بر پایبندی به پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می شد و این دیدار به تأخیر نمی افتاد. دیداری بر مبنای شناختی درست. هیچ چیز، ما را از شیعیانمان دور نگه نمی دارد، مگر کردارهای آنان که به ما می رسد و برای ما ناخوشایند و دور از انتظار است.(۲)

 آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: هرکدام از شما باید به هرآنچه با آن، به ما نزدیک تر می شود، عمل کند و از آنچه از ارزش او می کاهد و سبب پستی اوست (که همانا، ناخشنودی و خشم ماست) دوری کند.(۳)

 و می فرمایند: ما از تمامی اعمال و اخبار شما آگاهیم و هیچ یک از آنها، از ما پنهان

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.
۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.
۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

نیست.(۱)

 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: ما هیچ گاه در سرپرستی شما و رسیدگی به امورتان کوتاهی نمی کنیم و همواره به یادتان هستیم و اگر این گونه نبود، از هرسو گرفتاری ها پدیدار می شد و دشمنان، شما را از بین می بردند.(۲)

 همچنین:اگر به سبب مهربانی، دلسوزی و محبت به شما نبود و صلاحتان را در نظر نمی گرفتیم، همانا از شما کناره می گرفتیم (با شما گفت وگو نمی کردیم).(۳)

 و می فرمایند: هرکس به ناحق، بخشی از اموال ما را بخورد (به ناحق در آن تصرف کند)، به راستی آتش می خورد و به زودی، با صورت در آتش جهنم افکنده می شود. هنگامی که برای هیچ کس جایز نیست، در مال دیگران بی اجازه آنان تصرف کند؛ بنابراین

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.
۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۵.
۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.

چگونه تصرف در اموال ما جایز می باشد؟(۱)

 آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: اموالی را که شما به ما می دهید، فقط به آن دلیل می پذیریم که شما پاک شوید؛ ازاین رو هرکه می خواهد، آنها را به ما برساند (و هرکه نمی خواهد، آن را به ما ندهد). آنچه خداوند به ما ارزانی کرده، از آنچه به شما داده، بهتر است.(۲)

 و می فرمایند: برتری دعا و تسبیح، پس از نمازهای واجب، نسبت به دعا پس از نمازهای مستحب، همانند برتری واجبات بر مستحبات می باشد و سجده شکر، از شایسته ترین مستحبات (پس از نماز) است.(۳)

 از فرمایشات آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف است: اگر خواهان ارشاد باشی، ارشاد خواهی شد و جوینده، یابنده خواهد بود.(۴)

 در قرآن کریم آمده است: به راستی که

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱.

۴- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹.

خداونـد، سـرنوشت هیـچ قـومی را تغییر نمی دهـد، مگر اینکـه آنـان، خودشـان را تغییر دهنـد.(۱) بنـابراین، اگر بخـواهیم، سرنوشتمان تغییر کند و یار رخ بنماید، ابتدا باید خود دگرگون شویم و آن گونه ای باشیم که دلخواه اوست.

ص:۲۱

۱- رعد: ۱۱.

دانستنی های مهدوی

 آیا می دانید، ۵۰ بار در انجیل و ملحقات آن، مژده ظهور منجی موعود آمده است که این بشارت ها، بر حضرت مسیح صدق نمی کند و مقصود، نجات دهنده ای است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد.

 آیا می دانید، بنابر دلایل قرآنی و حدیثی، ایرانیان در برپایی زمینه های قیام امام زمان، نقش حساس و مهمی دارند که با برپایی انقلاب اسلامی، این کار صورت می پذیرد.

 آیا می دانید، که بسیاری از محققان یا کتاب مستقلی در این باره نوشته اند یا در قسمتی از کتابشان، به این موضوع پرداخته اند؛ مانند کتاب آینده و آینده سازان دکتر «محمد دشتی» و....

ص:۲۲

 آیـا می دانیـد، برخی از نشـانه های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف حتمی است و آن نشانه ها، پیش از ظهور نمایان می شوند که عبارتند از:

۱. خروج سفیانی؛

۲. خَسْف بیدا (در بیدا سپاهیان سفیانی به زمین فرومی روند)؛

۳. خروج یمانی؛

۴. قتل نفس زکیه؛

۵. صیحه آسمانی.(۱)

۱- آفتاب مهر، ص ۲۱۰.

دلْ نوشته های مهدوی

 انتظار فرج یعنی: شناخت امام معصوم علیه السلام، عشق به عدالت، امید به آینده ای روشن و تلاش برای برپایی حکومت عدل جهانی.

 مهدی جان! اگر تو نیایی، سیلی ظالمان همیشه بر گونه مظلومان نواخته می شود و صدای ظلم از همه جا شنیده می شود.

 ای یوسف زهرا! انتظار هم از نیامدنت بی تاب شد.

 بی تو مقیم جهنم ایم بیا.

 مهدی جان! بیا و دنیای دل را با بوی خوش فطرت پر کن، مولا! آنچنان زمین گیرم نکن که هنگام ظهورت، توان برخاستن نداشته باشم.

 ای خورشید هدایت! که در پس ابرهای غیبتی، رخ بنما و بر ما بتاب.

 گر تو یاری کنی، جسمم آرام می گیرد؛ پس بیا و فکری برای دل بی تابم کن.

 به خدا سوگند! دنیا را آذین می بندیم، اگر لحظه آمدنت را بدانیم.

 فقط توئی که می توانی داد عدالت سر دهی، زیرا تو زاییده حقی، پس سلام بر انتظار.

 در این کویر پر از سراب، کجاست آن باران؟

 وقتی می گویم: خدا کند که بیایی! شاید حضرت می فرمایند: خدا کند که بخواهید!

 ای کاش! همه می دانستند، دنیایی که در آن حجت خدا نباشد، جهنمی بیش نیست؛ جهنمی که اگر نیک بنگری، زبانه های آتش آن را خواهی دید.

 آری ای دوست! تا آن هنگام که بهشت ظهور نکرده است، من و دل هایی که همواره در سرزمین نیمه شب تو را می خوانند و به عشق تو در آسمان مکاشفه پرواز می کنند.

ص:۲۵

غیبتی، رخ بنما و بر ما بتاب.

 گر تو یاری کنی، جسمم آرام می گیرد؛پس بیا و فکری برای دل بی تابم کن. .

 به خدا سوگند! دنیا را آذین می بندیم، اگر لحظه آمدنت را بدانیم.

 فقط توئی که می توانی داد عدالت سر دهی، زیرا تو زاییده حقی، پس سلام بر انتظار. .

 در این کویر پر از سراب، کجاست آن باران؟

 وقتی می گویم: خدا کند که بیایی! شاید حضرت می فرمایند: خدا کند که بخواهید!

 ای کاش! همه می دانستند، دنیایی که در آن حجت خدا نباشد، جهنمی بیش نیست؛ جهنمی که اگر نیک بنگری، زبانه های آتش آن را خواهی دید.

 آری ای دوست! تا آن هنگام که بهشت ظهور نکرده است، من و دل هایی که همواره

مهـدی جـان! بیـا و دنیـای دل را با بوی خوش فطرت پر کن، مولا! آنچنان زمین گیرم نکن که هنگام ظهورت، توان برخاسـتن نداشته باشم.

 ای خورشید هدایت! که در پس ابرهای غیبتی، رخ بنما و بر ما بتاب.

 گر تو یاری کنی، جسمم آرام می گیرد؛ پس بیا و فکری برای دل بی تابم کن.

 به خدا سوگند! دنیا را آذین می بندیم، اگر لحظه آمدنت را بدانیم.

 فقط توئی که می توانی داد عدالت سر دهی، زیرا تو زاییده حقی، پس سلام بر انتظار.

 در این کویر پر از سراب، کجاست آن باران؟

 وقتی می گویم: خدا کند که بیایی! شاید حضرت می فرمایند: خدا کند که بخواهید!

 ای کـاش! همه می دانسـتند، دنیـایی که در آن حجت خـدا نباشـد، جهنمی بیش نیست؛ جهنمی که اگر نیـک بنگری، زبانه های آتش آن را خواهی دید.

 آری ای دوسـت! تـا آن هنگـام کـه بهشت ظهـور نکرده است، من و دل هـایی که همـواره در سـرزمین نیمه شب تـو را می خوانند و به عشق تو در آسمان مکاشفه پرواز می کنند.

 اوست که در انتظار تو نشسته تا پرده غیبت را بدری و چهره دل آرایش را به مشاهده بنشینی. او غایب نیست؛ از هر حاضری حاضرتر است، این تویی که غایبی. تو باید حاضر شوی، او منتظرتوست.

 خدایا، با نور مهدی ات، تمامی تاریکی ها را روشن کن.

 هر روزی که می گذرد، یک روز به ظهور امام زمان نزدیک تر می شویم؛ اما به خود امام زمان چطور؟

 ای تـک سوار! من برای آمـدنت؛ گـل دل را پرپر، قرآن بر سر، فریادکنـان بـاز نوحه سـر می دهم. اگر اشک چشـمانم کم است، قطره قطره دلم را آب دیده می کنم.

 ای مهدی! ای نقطه شروع شفق! ای مجری حق!

 میلاد تو، قصیده ای بی انتهاست که فقط

خدا بیت آخرش را می داند، بیا و حسن ختام زمان باش.

 انتظار، فاصله ای است میان دو جمعه: جمعه ولادت و جمعه ظهور.

 خدایا در کودکی خوانده بودیم: «آن مرد در باران آمد». غافل از اینکه تا آن مرد نیاید، بارانی نمی بارد.

 بار خدایا! این فاصله را کم و کمتر کن و دیدگان ما را با نور جمالش روشنایی بخش!

 به امید آن روز که همه پیامک های جهان این باشد: «مهدی فاطمه آمد».

ای یوسف گم گشته ما! داستان یوسف را گفتن و شنیدن به بهانه توست.

شرمنده ایم و می دانیم، گناهانمان چاه غیبت توست.

 روزی در برگه تقویم خواهند نگاشت: «تعطیل رسمی، روز ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف » و البته از آن روز، خدایی شدن آغاز می شود.

ص:۲۸

 اشتباه ما، نشستن به انتظار توست؛ بلکه به انتظار تو باید قیام کرد.

 در انتظار دیدنت، تمامی دل ها بی قرارند، ای تک ستاره! آرزوی دیدارت را در دل هایمان باقی مگذار که:

چه خوش باشد که بعد از انتظاری

به امیدی رسد امیدواری

 ای ماه فاطمه! به امید آنکه از افق، نور بازگشت تو را دریابم، همه شب ستاره می شمرم تا صبح دیدارت فرا رسد.

 تنها من از دوری تو، بی تاب نیستم که تمام سنگ ریزه های زمین، منتظر گام های تواند تا کوه شوند و پرچم تو را در اوج عشق خود برافرازند. آن وعده محتوم، چه نزدیک است، اگر عاشق باشی.

 افسوس آقاجان، که ماه رویت، پس ابرهای پاره پاره پنهان است و افسوس که در دیده شوق وصال است؛ ولی فروغ دیده نهان!

 کجایی ای همیشه پیدا از پس ابرهای

غیبت؟

 مهدی جان! به روسیاهی مان نگاه نکن و به دست هایمان که خالی و گنه کارند، به دل هایمان بنگر که هر صبح و شام تو را می خوانند.

 بهترین هدیه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترک یک گناه است.

 السلام علیک یا صاحب الزمان!

 ای نور خدا، سلام بر تو! سلام بر تو، ای چشمه حیات و زندگی و ای کشتی نجات!

 امام زمان، پشت ابرهای خودبینی های ما نشسته است.

 تمامی مشکلمان این است که می پنداریم، ظهور یکی از راه های نجات است؛ حال آنکه ظهور، راه نجات است.

 من به آمار زمین مشکوکم، اگر این سطح پر از آدم هاست؛ پس چرا یوسف زهرا تنهاست؟

ص:۳۰

 یوسف زهرا! گذشته است سن حضورت ز سن نوح؛ ولی، شمار کشتی نشستگان نکرد تغییری.

 سوسوی ستارگان آسمان در التهاب و انتظار توست؛ پس بیا و آسمان و زمین را گلستان کن که:

رواق منظر چشم من، آشیانه توست

کرم نما و فرود آ که خانه، خانه توست

به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل

لطیفه های عجب زیر دام و دانه توست

 خوشا به حال سال گذشته! دوازدهمین ماهش را دید و عمرش به سر رسید؛ اما من می ترسم، عمرم به سر رسد و دوازدهمین ماهم را ندیده باشم.

 یا مولانا یا صاحب الزمان! از ما به جز بدی که ندیدی، ببخشمان.

 سال گذشته با تمام ادعاهایش، رفیق نیمه راه بود.

به امید آنکه این سال جدید، مانند اجدادش، نارفیق نباشد و با ظهور آقا

خودش را ابدی کند.

 چهار دعای برتر لحظه تحویل سال: اول، دعا برای ظهور آن بی مثال؛ دوم، تمام ملت بی ضرر و بی ملال؛ سوم، رسیدنمان به قله های کمال؛ چهارم، تمام جیب ها پر از پول، اما حلال.

 سال خود را با بهترین هفت سین آغاز کنید:

۱. (سلامٌ قولاً مِنْ رَبِّ الرّحیم)؛(یس: ۵۸) «سلام سخنی از جانب پروردگار مهرورز است».

۲. (سلامٌ علیٰ نوحٍ فِی العالَمین) ؛(صافات: ۷۹) «سلام بر نوح میان جهانیان».

۳. (سلامٌ علی ابراهیم)؛ (صافات: ۱۰۹) «سلام بر ابراهیم».

۴. (سلامٌ علی موسی و هارون)؛ (صافات: ۱۲۰) «سلام بر موسی و هارون».

۵. (سلامٌ علی إِلْ یاسین)؛ (صافات: ۱۳۰) «سلام بر اِلیاسین».

۶. (سلامُ علی المُرْسَلین)؛ (صافات: ۱۸۱) «سلام بر فرستاده شدگان خداوند».

ص:۳۲

۷. (سلامٌ هِی حتَّی مَطْلَعِ الفَجْر)؛ (فجر: ۵) «آن شب تا سپیده دم سلامت است».

 ای عزیز! برای دیدنت بهانه بسیار داریم؛ اما بها نه.

 ای کاش تمام پنجره ها رو به تو باز می شدند، آن گاه تمام خانه ها آفتابی بودند.

 وقتی طلوع کنی، نیلوفران سر از سجده بر می دارند.

 این جمعه هم گذشت؛ اما یک روز جمعه، کسی آرام می آید؛ او نگاهش خیس عرفان است؛ قدم هایش پر از معنا، دلش از جنس باران است؛ کسی فانوس بر دستش، مثال نور می آید؛ امید قلب ما روزی، مثال نور می آید.

 آرزوهایم زیر انبوهی از خاکستر، هنوز هم نفس می کشند، هنوز هم شعله ورند. ای کاش می دانستم، نسیم مهربانی تو کدامین جمعه می وزد.

 پای بر سر خود نِه تا دوست را در آغوش

ص:۳۳

گیری؛ آری تا کعبه وصلش، دوری تو فقط یک گام است.

 ای بهانه تمام اشک های صبح جمعه ام! و ناله های ندبه ام! چه می شود، بر این وجود بی رمق نظر کنی؟

 کدامین جمعه او مهمان خانه هایمان می شود و لبانمان، خندان به مژده ظهورش؟

 ظهور مهدی زیباست؛ زیرا ظهور زیبایی هاست.

 ای پدر! که دلْ خسته در چاه غیبت نشسته ای، ظهور کن که (یا اَبانا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنوبَنا إِنَّا کُنَّا خاطِئِین)؛ (یوسف: ۹۷) «ای پدر ما! آمرزش گناهانمان را برایمان بخواه، به راستی که ما خطاکار بودیم».

 مهدی جان! غم دنیا همه کس را بفریبد؛ اما صد دریغ، هیچکس درپی فهمیدن غم های تو نیست.

 جز او به هیچ واقعه ای دل نبسته ایم، موعود جمعه! چه زمان جمعه موعود

ص:۳۴

می رسد؟

 بی تو ای صاحب زمان بی قرارم هر زمان. از غم هجر تو من دلخسته ام؛ همچو مرغی بال و پر بشکسته ام.

 به هوش باش که حسین علیه السلام را منتظرانش کشتند. ای منتظر تو چه خواهی کرد؟

 ای وسعت آسمان آبی، ای آیینه سبز آفتابی، ای رخشنده ترین ستاره عشق، ای کاش به شام ما بتابی.

 من جز عشق تو آغاز و پایانی ندارم. سر می نهم در کوی عشقت، جان می دهم در راه عشقت، من چه گویم؟ من به جز عشقت سر و جانی ندارم.

 کی می شود صبح ناشتای چشممان را به نگاه تو بگشاییم و شام تصویر تو را به قاب خواب هایمان ببریم و شب و روزمان در فضای ظهور تو بگذرد.

 یا مقلب القلوب و الابصار، سال نو آمد و نیامد یار.

ص:۳۵

یا مدبر اللیل و النهار، بی حضورش چه اشتیاق بهار.

یا محول و الاحوال، منتهی کن فراق را به وصال.

حول حالنا الی احسن الحال، به امید فرج همین امسال.

 هرچه کردم نشوم علت رنجیدن او، باز نشد و بارها و بارها من دل زهرایی او را از گناهم خستم. گفتم این بار که به نامه من مینگرد خوشحال است؛ اما اشکش به دلم گفت که من روسیه ا م و گنه کار.

 آه! هجر تو ز درد و داغ دلگیرم کرد و اندوه و غم زمان زمی نگیرم کرد. من پیر سال و ماه نیستم؛ اما این رفتن جمعه، جمعه ها پیرم کرد.

 آتشی از عشق در جانم فکندی، خوش فکندی.

 در اضطراب چه شب ها که صبح شان گم شد و چه روزها که گرفتار روز هفتم شد. چقدر هفته پر از شنبه شد، شنبه به جمعه رسید و جمعه روز تـفرّج برای مردم شد.

 نیمه شعبان روز امید بشر بود و شادی امروز ما نهضت فردای توست.

 خداونـد خالق عشق است و محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم گل بوته آن؛ علی علیه السـلام تجلّی عشق است و زهرا علیها السلام تجلّی گاه آن.

 حسن علیه السلام نماینده عشق است و حسین علیه السلام قافله سالار آن؛ عباس علیه السلام نوشاننده عشق است؛ زینب علیها السـلام شاهد عشق است و سـجاد علیه السـلام راوی آن؛ باقر علیه السـلام شـکافنده عشق است و صادق علیه السـلام احیاکننده آن؛ کاظم علیه السـلام صبرکننده بر عشق است و رضا علیه السلام ضامن آن؛ تقی علیه السلام بخشاینده عشق است و نقی علیه السلام پاکی بخش آن و حسن علیه السلام پرورش دهنده عشق است و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپاکننده آن.

دلْ سروده های مهدوی

نیازارم ز خود هرگز دلی را

که می ترسم در آن جای تو باشد

***

روا بود که گریبان ز هجر تو پاره کنم

دلم هوای تو کرده بگو چه چاره کنم

***

من و این جمعه های بی سامان

من و این ندبه های بی پایان

***

تا کسی رخ ننماید، ز کسی دل نبرد

دلبر ما، دل ما برد و به ما رخ ننمود

***

بخوانید یاران، همه دلداران

سرود هم عهدی، در فراق جانان

***

از پرده برون آی که دلم غرق تمناست

تقصیر دلم نیست، تماشای تو زیباست

***

می خوانم هر شب، شعر هم عهدی

شب جمعه منم و ذکر یا مهدی

***

دیدار یار غایب، دانی چه لطف دارد

ابری که در بیابان، برتشنه ای ببارد

***

منتظرم منتظرم مسافرم زود برسه

یه صبح جمعه تو دعا، مهدی موعود برسه

***

همه گویند به امید ظهورش صلوات

کاش این جمعه بگویند به تبریک حضورش صلوات

***

خوب است ما هم مثل باران حس بگیریم

هر شب سراغی از گل نرگس بگیریم

***

می سوزم از فراقت روی از جفا بگردان

هجران بلای ما شد، یارب بلا بگردان

***

آن سفرکرده که صد قافله دلْ همره اوست

هرکجا هست، خدایا به سلامت دارش

***

الا که راز خدایی، خدا کند که بیایی

تو نور غیب نمایی، خدا کند که بیایی

***

ای غایب از نظر به خدا می سپارمت

جانم بسوختی و به جان دوست دارمت

***

یوسف از جرم زلیخا گر به زندان می رود

یوسف زهرا ببین از جرم ما حبس ابد گردیده ا ست

***

خیزید و گل افشانید، گل در چمن افشانید

طاووس جنان آمد، سلطان زمان آمد

***

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

***

پیک صبا دارد به لب از شوق دیدار این سخن بادا مبارک مقدمت، یا سیدی! یابن الحسن!

***

م_ژده آم_دنت، قیم_ت ج_ان می ارزد

تاری از موی تو آق_ا، به جه_ان می ارزد

***

گفته بودم گر بیایی مقدمت را گل فشانم

گل چه قابل مهربانم چشم هایم فرش راهت

***

مست عشقم، مست یارم، مست دوست

مست معشوقی که عالم مست اوست

***

صبح بی تو، رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

***

بی خبر از همه عالم ز تو خواهم خبری

دل خوشم گر ز تو آید خبر مختصری

***

ای طلوع چشم هایت دیدنی

غنچه لبخندهایت چیدنی

***

شنیدم که تو یک روز جمعه بر می گردی

کدام جمعه، نمی شد اشاره می کردی؟

***

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

***

ای قائم آل نور، عطر سبز حضور

تا همیشه صبور می مانیم، به هوای ظهور

***

چه خوش است من بمیرم به ره ولای مهدی

سر و جان بها ندارد که کنم فدای مهدی

***

ای دل شیدای ما گرم تمنای تو

کی شود آخر عیان طلعت زیبای تو

***

خداوندا اگر داری بنای دادن عیدی

منورکن جهانی را به نور حضرت مهدی

***

مهدیا! یاران خوبت را مکن از بد جدا

روسیاه و روسفیدش جان آقا درهم ست

***

عصاره همه گل های احمدی، مهدی ست

گل همیشه بهار محمدی، مهدی ست

***

آن که می گفت ز یک گل نشود فصل بهار

چه خبر داشت که همچون تو گلی می روید

***

ده روزه مهر گردون، افسانه است و افسون

یک لحظه خدمت تو، بهتر ز مُلک ما را

***

من ره به خلوت عشق هرگز نبرده بودم

پیدا نمی شدی تو، شاید که مرده بودم

***

امشب رسد از سامره بوی گل نرگس

گل ها همه چشم اند به سوی گل نرگس

***

طلایه دار سحرگاه نور می آید

امیر قافله عشق و شور می آید

***

تو بدین همه لطافت که ز حور دل ربودی

ز چه بر منِ سیه روی درِ دوستی گشودی؟

***

آتش دوست اگر در دل ما خانه نداشت

عمر بی حاصل ما این همه افسانه نداشت

***

تو امام عصر و عصر جمعه ها همه دلگیر

چه کنیم که مرداب گناهمان شده پاگیر

***

چشم برهم زدنی غافل از آن ماه نباشیم

شاید که نگاهی کند آگاه نباشیم

***

در راه عزیزی ست که با آمدنش

هر قطب نما، قبله نما خواهد شد

***

باز هم آدینه ای آمد ولی مهدی کجاست

یک نفر می گفت مهدی جمعه ها در کربلاست

***

باز هم جمعه شد و غصه من تازه شده

درد این بی خبری بی حد و اندازه شده

***

خوابیم و حقیقت به خدا نیست جز این

ما غایب و او منتظر آمدن ماست

***

ای منتظر غمگین مشو، قدری تحمل بیشتر

گردی به پا شد در افق، گویا سواری می رسد

***

روز ظهور تو چه سرافکنده می شوند

آنان که در دعای فرج کم گذاشتند

***

دل مرده ایم بی تو اما مسیح من

یک جمعه هم زیارت اهل قبور کن

***

باز هم درد فراقت کمرم را خم کرد

باز دوری تو چشمان مرا پر نم کرد

***

این نیست مقام تو که آدم به تو نازد

عالم به تو، خلاق دو عالم به تو نازد

***

تا کسی رخ ننماید نبرد دل ز کسی

دلبر ما دل ما برد و به ما رخ ننمود

***

دل از ما برد و روی از ما نهان کرد

خدایا با که این بازی توان کرد

***

هرکه خواهد که با مهدی نشیند

گلی از خرمن وصلش بچیند

مصداق «قَبْلَ أنْ تَمُوتُوا» گردد

تا ماه جمالش را ببیند

***

نه شرم و حیا نه عار داریم از تو

اما گله بی شمار داریم از تـــو

ما منتظر تو نیستیم آقاجان

تنها همه انتظار داریم از تو

***

بر چهره پر ز نور مهدی صلوات

بر جان و دل صبور مهدی صلوات

تا امر فرج شود مهیا بفرست

بهر فرج و ظهور مهدی صلوات

***

هر چند خسته ایم از این حال نیا

ص:۴۷

شرمنده، اگر که ندارد اشکال نیا

ما خط تمام نامه هامان کوفی ست

آقای گلم زبان من لال، نیا

***

گرچه پیمان را شکستم، بر سر پیمانه ام

با همه بدعهدی ام، آن عاشق دیوانه ام

گر به ظاهر دورم از درگاه تو، ای نازنین

باز هم مشتاق روی دلکش جانانه ام

***

تقصیر من ا ست اینکه، کم می آیی

هرگاه شدم اسیر غم می آیی

این جمعه و جمعه های دیگر حرف است

آدم بشوم، سه شنبه هم می آیی

***

زمستان خسته شد از بی بهاری

جهان می لرزد از این بی قراری

گمانم جمعه ای باقی نمانده

خدایا تا به کی چشم انتظاری

***

تا کی ورق ورق کنم این سررسید را

چون کودکی، رسیدن سال جدید را

ص:۴۸

با دست زیر چانه، تو را آه می کشم

چون غنچه ای که آخر اسفند، عید را

***

از دوری تو غمین و نالان هستیم

وز کرده خود کمی پشیمان هستیم

اصلیت ما را تو اگر می پرسی

از کوفه ولی مقیم ایران هستیم

***

به پای مهدی، همه سربازیم

ز ارکان ابرقدرت قرار اندازیم

ما خمارانیم، عبد جانانیم

تا ابد انصارالمهدی می مانیم

***

باز هم یک جمعه دیگر گذشت

روز موعود دل و دلبر گذشت

باز هم چشمم به راهت شد سپید

باز هم بیچاره دل در خون تپید

***

ما ساکن عصر جمعه هاییم

تو منتظری که ما بیاییم

غربت چه حکایت غریبی ست

ص:۴۹

آقا تو کجا و ما کجاییم

***

کاش بودی تا دلم تنها نبود

تا اسیر غصه فردا نبود

کاش بودی تا فقط باور کنی

بی تو هرگز زندگی زیبا نبود

***

با تو که روبه رو شدیم آقاجان

پیش تو بی آبرو شدیم آقاجان

خواندیم تو را و خود خوابیدیم

چوپان دروغ گو شدیم آقاجان

***

ای آخرین امیر ولایت شتاب کن

غیبت شده به حد کفایت شتاب کن

تا کربلا زمین را بهار کن

بهر انتقام حسین قیام کن

***

در بزم ولا جام هدایت مهدی ست

مقصود ز نور بی نهایت مهدی ست

ثبت است بر جریده عالم قدس

گلواژه روشن هدایت مهدی ست

ص:۵۰

***

خوشا آن کس که مهدی یار او شد

رفیق مشفق و غمخوار او شد

اگر صدها گره افتد به کارش

به دست او فرج در کار او شد

***

چرا دوری ز تو تقدیر ما شد

غم هجران گریبان گیر ما شد

تو غایب نیستی، مهجور ماییم

دریغا علتش تقصیر ما شد

***

مهر تو بر قلوب ما حک شد

وای بر آن که از تو منفک شد

هست کافر اگر در اوصافت

هر که وارد به قلب او شک شد

***

ای جمالت بهشت جان، مهدی

روی از ما نکن نهان، مهدی

ما به عشق تو زنده ایم مولا

یاد تو عمر جاودان، مهدی

***

ص:٥١

خوشا آنان که با دلبر قرینند

مداوم با جنابش هم نشینند

بهر سو دیده خود را گشایند

به غیر از صورت ماهش نبینند

***

خوشا آنان که محو روی یارند

جز او با دیگری کاری ندارند

به پای یار هردم از سر صدق

هزاران مرتبه جان می سپارند

***

خوشا آن دل که شد منزلگه یار

برون افکنده از خود مهر اغیار

برای رستگاری روز محشر

بود میزان، ولای آل اطهار

***

خلق عالم ز سما تا به سمک

ز آدمی و پری و جن و ملک

همگی از دل و جان می گویند

عجل الله تعالی فرجک

***

بود یاد تو ما را قوت دل

ص:۵۲

منور شد ز یادت ساحت دل

به هر اندازه دل مهر تو دارد

همان اندازه باشد قیمت دل

***

تا نگردد دوره غیبت تمام

قلب آل الله نگیرد التیام

بار الها جان ما آمد به لب

کی کند مولای ما مهدی قیام

***

من ریزه خوار سفره احسان تو هستم

ناچیزتر از خار گلستان تو هستم

من نوکر تو نیستم! ای سرور خوبان

بل خاک کف پای محبان تو هستم

***

اگر کوچک بود ظرف وجودم

نمی ارزد پشیزی هست و بودم

خدا را شکر کز احسان و لطفش

عجین شد با ولایش تار و پودم

***

نیا گل نرگس جهان که جای تو نیست

زین دوصد ترانه یکی هم برای تو نیست

ص:۵۳

نیا گل نرگس به جان تشنه عشق

دعا، دعای ظهور است، ولی برای تو نیست

***

من که می دانم لیاقت بهر دیدارت ندارم

قابلیت بهر ره بردن به دربارت ندارم

حلقه وار این سر اگر کوبم به درب آستانت

من تو را می خواهم از تو، کار با اغیار ندارم

***

من از حق، بهر دیدارت ای نگارم

همیشه قابلیت خواستارم

زهی اقبال سعدم گر بدانم

که از لطفش قبولم کرده یارم

***

نمی داند کسی اوصاف یارم

همه عالم بود اضیاف یارم

چه سان شکر خدا باید که باشد

همیشه شاملم الطاف یارم

***

چو مهر تو ریشه کرده در جان و دلم

شد رشک ریاض جنت این آب و گلم

تو گر چه خطاهای مرا می پوشی

ص:۵۴

اما به خدا ز روی ماهت خجلم

***

به بالین می نهم سر بلکه در رویا تو را بینم

نبینم روی مردم را فقط تنها تو را بینم

اگر از بهر دیدارت تو از من رونما خواهی

بیفشانم سر و جان را به پایت تا تو را بینم

***

صد شکر که در پناه مهدی هستیم

از باده ناب عشق آن شه مستیم

هرکس به کسی سپرده دل اما ما

از روز ازل به حضرتش دل بستیم

***

افسوس که از امام خود دور شدیم

از بهر زیارت رخش کور شدیم

ایراد به دیگری نباید گیریم

از زشتی کار خویش مهجور شدیم

***

یارب نظر عنایتی بر ما کن

حکم فرج امام ما امضا کن

ما را به ارادت شهیدان حسین

در زمره یاوران او احصا کن

ص:۵۵

***

ای منجی توده بشر مهدی جان

افتاده بشر به دام شر مهدی جان

تا کی سفرت به طول می انجامد

برگرد دگر از این سفر مهدی جان

***

از آتش ستیزه و از جور بی امان

شد تنگ زندگانی دنیا به انس و جان

ذرات کون و مکان همه با هم ندا دهند

عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

***

ترسم بمیرم از غم هجران تو یابن الحسن

در آرزوی دیدن دوران تو یابن الحسن

روزی اگر چشمان من افتد بر روی ماه تو

این نیمه جان را می کنم قربان تو یابن الحسن

***

دوست دارم که یک شب جمعه

صبح گردد به رسم خوش عهدی

ناگهان بشنوم ز سمت حجاز

نغمه دل خوش انا المهدی

***

ص:۵۶

آقا بیا به خاطر یاران ظهور کن

ما را از این هوای سراسیمه دور کن

وقتی برای بدرقه عشق می روی

از کوچه های خلوت ما هم عبور کن

***

تفأل زدم نیمه شب به قرآن

کتابی که از وحی شیرازه دارد

برای دلم آیه صبر آمد

ولی نازنین، صبر هم اندازه دارد

***

دلی دارم که رسوای جهان است

گرفتار بتی ابرو کمان ا ست

نگاهم سوی طاووسی بهشتی ست

که نامش مهدی صاحب زمان است

***

در تمنای نگاهت بی قرارم تا بیایی

من ظهور لحظه ها را می شمارم تا بیایی

خاک لایق نیست تا به رویش پا گذاری

در مسیرت جان فشانم، گل بکارم تا بیایی

***

ای سوی تو عالم نگران ادرکنا

شد دوری تو به ما گران ادرکنا

طغیان ستم گذشت از حد مهدی

ای ریشه کن ستمگران ادرکنا

***

اسیر پنجه دردیم بی تو

نگاه نرگسی، زردیم بی تو

اگر چشم انتظار تو نبودیم

در این دنیا چه می کردیم بی تو

***

جلوه گل عندلیبان را غزل خوان می کند

نام مهدی صدهزاران درد، درمان می کند

مدعی گوید که با یک گل نمی گردد بهار

من گلی دارم که عالم را گلستان می کند

***

ای طبیب زخم های بی قرار

ای قرار بی قراری ها بیا

کس نمی فهمد زبان زخم را

ای دوای زخم کاری ها بیا

***

کوچه های شهر ما ویران نمی ماند عزیز

کار و بار عشق بی سامان نمی ماند عزیز

ص:۵۸

یک نفر فردا زمین را نور باران می کند

مهدی ما تا ابد پنهان نمی ماند عزیز

***

دستم به دامانت در این فصل سر

آخر سکوت تو غزل را می کُشد برگرد

آوار غم بر شانه های شهر را بنگر

شعری بخوان آرامشی پیدا کند این درد

***

کوه باید تو را رکوع کند

ماه باید تو را خضوع کند

سرافرازی به احترام حضور

پیش پای شما خشوع کند

***

فقط گفتی به ما پرواز، پرواز

درِ زندان غیبت کی شود باز

بدون تو چگونه پر گشاییم

برای هر عمل هستی سرآغاز

***

غروب جمعه رسیده ست و باز تنهایی

غروبِ این همه غربت، چرا نمی آیی

زمین به دور سرم چرخ می زند پس کی

ص:۵۹

تمام می شود این روزهای یلدایی

***

برای من بیا امشب دعا کن

مرا از بند این دنیا رها کن

بیا و یک نظر بر من بیفکن

سپس من را به دردت مبتلا کن

***

این جمعه جان حضرت زهرا ظهور کن

قلب غمین منتظرانت را پر سرور کن

با یک توسلی به در خانه خدا

از جاده ظهور بیا و عبور کن

***

کدام نقطه این خاک زیر پای تو نیست

کدام پاره خورشید آشنای تو نیست

بگو کدام نسیم شکفته در وادی ست

که ذهنش آینه بندانی از صفای تو نیست

***

ورق های توسل گشته دسته

همه انگشتانمان هم، پینه بسته

فقط از تو سرودیم و نگفتیم

که از اعمالمان هستی تو خسته

ص:۶۰

***

خدا کند که رضایم، فقط رضای تو باشد

هوای نَفْس نباشد، همه هوای تو باشد

خدا کند که منظر چشمم، به روی تو باشد

و سجده گاه نمازم، به جای پای تو باشد

***

بیا باغ و گل بی قرار تواند

شب و پنجره وامدار تواند

در این بغض و تردید و ناهمدلی

دل و دیده در انتظار تواند

***

این جشن ها برای من آقا نمی شود

شب بـــا چراغ عاریه، فردا نمی شود

خورشیدی و نگـــاه مـــرا می کنی سفید

می خواستم ببینمت؛ اما نمی شود

***

بیا که صبر برایم چه خوب معنا شد

در انتظار ظهورت دلم شکیبا شد

تمام دفتر عمرم سیاه شد اما

امید دیدن رویت دوباره پیدا شد

***

ص:۶۱

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته ایکه هویدا کنم تو را

***

خدا کند که مرا با خدا کنی آقا

ز قید و بند معاصی جدا کنی آقا

دعای ما به در بسته می خورد ای کاش

خودت برای ظهورت دعا کنی آقا

***

وقتی بسان خورشید از گوشه ای برآیی

روشن شود جهانی، وقتی که تو بیایی

ماندم در انتظارت ای کوکب هدایت

بنما جمال خود را ای آیت خدایی

***

بهار بی گل نرگس شبیه پاییز است

و بی تو کل زمان هایمان غم انگیز است

بیا که منجمدانه قیام ممکن نیست

بیا که سهم زمین از بهار ناچیز است

***

یا امام العصر، ما زان توایم

بنده انعام و احسان توایم

برنمی داریم سر از خاک درت

تا ابد بر عهد و پیمان توایم

***

یقین بدان که اثر می کند دعای فرج

و از عنایت آن صاحب الزمان برسد

شروع دفتر باور به نام او زیباست

اگر که ختم غزل هم، به پای آن برسد

***

ای قلم در حرف هایت اثری نیست

برای من از آشنا خبری نیست

ای خدا، این جمعه هم آمدورفت

از یوسف فاطمه اما خبری نیست

***

مه مبارک در ابر آرمیده بیا

امید آخر دل های داغ دیده بیا

به طول غیبت و اشک مدام و سوز دلت

که جان شیعه ز هجران به لب رسیده بیا

***

اذان جمکران شوری به پا کرد

دلم را از غم عالم جدا کرد

مرا با رمز غیبت آشنا کرد

صبا را گشته بودم محرم راز

***

با کدام آبرویی روز شمارش باشیم

لحظه ای در نظر چشم خمارش باشیم

کاروان سحرش بهر همه جا دارد

تا که جا هست چرا گرد و غبارش باشیم

***

کاش می شد که منم لایق دیدار شوم

از همه دل کنم، از غیر تو بیزار شوم

کاش می شد که نقاب از رخ خود برداری

روی تو بینم و آن گه به سر دار شوم

***

ای دل از من بگو آن دلبر جانانه را

گاه گاهی یاد کن این خسته دیوانه را

جای او در خانه دل باشد و ما غافلیم

در میان خانه گم کردیم صاحب خانه را

***

با توام ای دشت بی پایان سوار ما چه شد

یکه تاز جاده های انتظار ما چه شد

آشنای لا فتی الا علی اینجا کجاست

صاحب لا سیف الا ذوالفقار ما چه شد

***

نازم آن رعنا قدت را، خال رویت را، لبت را

با غم غیبت چه سازی روزهایت را، شبت را

ای گل نرگس کجایی، دردمندان را دوایی

گوشه چشمی نمایی این مریضان غمت را

***

آقا نگاهت جای آهوهاست، می دانم

دستان پاکت مثل من تنهاست، می دانم

آقا دلت در هیچ ظرفی جا نمی گیرد

جای دل تو وسعت دریاست، می دانم

***

یک عمر میله های قفس را شمرده ام

با شوق دست های تو یا ایها العزیز

من سوگوار بر سر هر دار می روم

شاید شوم فدای تو یا ایها العزیز

***

هر هفته تلخ آمد، رد شد، نیامدی

خورشید زیر سایه، لگد شد نیامدی

بغضم شکست تکه ابری بباردت

آب از گلوی حوصله رد شد نیامدی

***

ای سبزپوش کعبه دل ها ظهور کن

از شیب تند قله غیبت عبور کن

درد فراق روی تو ما را زغصه کشت

چشم انتظار عاشق خود را صبور کن

***

زنده کن شوق دعا را شبی

سرشار کن از خویش ما را

ببین چشم انتظاران بهاریم

پر از آیینه کن تقویم ها را

***

ارباب زمین، امیر مریخ بیا

تا نخل ستم برکنی از بیخ بیا

از قول همه منتظران می گویم

ای پیرترین جوان تاریخ بیا

***

طعنه از دشمنت ای دوست شنیدن تا کی

به بدن پیرهن صبر دریدن تا کی

پیش رو بودن و روی تو ندیدن تا کی

بار هجران تو بر دوش کشیدن تا کی

***

هرکجا سلطان بود، دورش سپاه و لشکر است

پس چرا سلطان خوبان بی سپاه و لشکر است

باخبر باشید ای چشم انتظاران ظهور

آخرین سلطان عالم از همه تنهاتر است

***

سر راهت در انتظارم

برده هجرت صبر و قرارم

جز ظهورت ای گل زهرا

به خدا حاجتی ندارم

***

عاقبت یک روز مغرب، محو مشرق می شود

عاقبت غربی ترین دل نیز، عاشق می شود

شرط می بندم زمانی که نه دور است و نه دیر

مهربانی حاکم کل مناطق می شود

***

مهدیا منتظرانت همه در تاب و تبند

همه اهل جهان، جمله گرفتار شبند

چو بیایی غم و ظلمت برود از عالم

شاد گردد دل آنان که گرفتار غمند

***

ویرانه نه آن است که جمشید بنا کرد

ویرانه نه آن است که فرهاد فرو ریخت

ویرانه دل ماست که هر جمعه به یادت

صد بار بنا گشت و دگر بار فرو ریخت

***

ای پیک راستان خبر یار ما بگو

احوال گل به بلبل دستان سرا بگو

ما محرمان خلوت انسیم غم مخور

با یار آشنا سخن آشنا بگو

***

ای افسر چرخ، خاک راهت

وی عرش، غبار بارگاهت

ای خاتم اوصیا کز اوّل

شد خاتم انبیا گواهت

***

ای کاش که انتظار معنا می شد

بی تابی جویبار معنا می شد

وقتی که سحر شکوفه صبح دمید

با آمدنت بهار معنا می شد

***

بگذار بگویمت دلم غم دارد

یک عالمه اشک و آه و ماتم دارد

عجّل به ظهور، عصر آدینه ها

ای یوسف فاطمه تو را کم دارد

***

تو می آیی و دست های مرا

پر از عطر یاس و سحر می کنی

تو می آیی و لحظه های مرا

از احساس گل تازه تر می کنی

***

ما بی تو تا دنیاست، دنیایی نداریم

چون سنگ خاموشیم و غوغایی نداریم

ای سایه سار ظهر گرم بی ترحم

جز سایه دستان تو جایی نداریم

***

دیری ست که ما منتظر روی تو هستیم

ما بند نجابت به تن اسم تو بستیم

دیری ست که دلداده ما خانه نشین ا ست

جای قدمش، بوسه به صدچاک زمین است

***

ای منتظران گنج نهان می آید

آرامش جان عاشقان می آید

بر بام سحر طلایه داران ظهور

گفتند که صاحب الزمان می آید

***

ای دل شیدای ما گرم تمنای تو

کی شود آخر عیان طلعت زیبای تو

گرچه نهانی ز چشم دل نبود نا امید

می رسد آخر به هم چشم من و پای تو

***

بی تو چگونه می شود از آسمان نوشت

از انعکاس ساده رنگین کمان نوشت

این یک حقیقت ا ست که بی تو بهار من

باید چهار فصلِ زمان را خزان نوشت

***

یاسمن چهره بیاراست بیا

شور در گلکده برپاست بیا

ای دوای همه علت ها

دیده از عشق تو بیناست بیا

***

سلامی بر رخ شاه دو عالم

رخ پنهان شده از دیدگانم

سلامی از ته این اشک هایم

نثار قدوم تو ای انتظارم

***

آن فرقه که تیشه به نخل فدک زدند

بر قلب پاک ختم رسولان نمک زدند

مهدی بیا ز قاتل مادر سؤال کن

زهرا چه کرده بود که او را کتک زدند

***

مردم دیده به هر سو نگرانند هنوز

چشم در راه تو صاحب نظرانند هنوز

لاله ها شعله کش از سینه داغند به دشت

در غمت همدم آتش جگرانند هنوز

***

مردان که به هنگام خطر گرد آیند

سرباز صفت به یک خبر گرد آیند

مظلوم تویی که سال ها منتظری

تا سیصد و سیزده نفر گرد آیند

***

کی شود در ندبه های جمعه پیدایت کنم

گوشه ای تنها نشینم تا تماشایت کنم

می نویسم روی هر گل نام زیبای تو را

تا که شاید این شب جمعه ملاقاتت کنم

***

تا کی برای چشمت آذین کنم جهان را

قلبم شروع کرده عمداً تکان تکان را

باران ترانه اش را با لحن غم نخواند

باشد عوض کنی تو تقدیر آسمان را

***

لحظه لحظه بوی ظهور می آید

عطر ناب گل حضور می آید

شیرمردی از قبیله عشق

ساده و سبز و صبور می آید

***

ما مست علوفه ایم مردن بهتر

بی برگ و شکوفه ایم مردن بهتر

از غیبت طولانی تان شد معلوم

ما مردم کوفه ایم مردن بهتر

***

ای آخرین توسل سبز دعای ما

آیا نمی رسد به حضورت دعای ما

شنبه دوباره شنبه دوباره سه نقطه چین

بی تو چه زود می گذرد هفته های ما

***

کاش از لطف شبی یاد ز ما می کردی

یاد از عاشق افتاده ز پا می کردی

کاش بیمار فراقت که ز پا افتاده

با نگاه ملکوتی تو دوا می کردی

***

این روزها که حرف از مختار می شود

بدجور دلم طالب دیدار می شود

ای منتقم بیا که به عالم نشان دهیم

شیعه عزیزست و جز او خوار می شود

***

زمین دلتنگ و مهدی بی قرار است

فلک شیدا پریشان روزگار است

دلا آدینه شد دلبر نیامد

غروب انتظارم سر نیامد

***

به یاد او همه غم ها ز سینه دور شود

دلم به رغم سیاهیش غرق نور شود

همیشه منتظرش بودم ای خدا مپسند

که بعد مردن ما جمعه ظهور شود

***

خیمه نشین فاطمه دلم برات پر میزنه

اسم قشنگت آقاجون هر تپش قلب منه

دلم برای دیدنش می گیره از من بهونه

ندبه می خونم دوباره با اشکای دونه دونه

***

نگاه کن به قلب من که سرخ از غرور توست

نگاه کن به چشم من به راه تا عبور توست

نگاه کن به جان من، در انتظار جمعه ای ست

که وعده داده اند و گفته اند ظهور توست

***

عصری ست غریب و آسمان دلگیر است

افسوس برای دل سپردن دیر است

هر روز بهانه ای گرفتیم و گذشت

عیب از من و توست عشق بی تقصیر است

***

ای راحت دل، قرار جان ها برگرد

درمان دل شکسته ما برگرد

ماندیم در انتظار دیدار ای داد

دل ها همه تنگ توست آقا برگرد

***

ماندیم به داغ انتظارت مددی

ما و غم و درد بی شمارت مددی

دل خسته از این غمی که در ریشه ماست

در آرزوی فجر بهارت مددی

***

یک روز نسیم خوش خبر می آید

بس مژده به هر کوی و گذر می آید

عطر گل عشق در فضا می پیچد

می آیی و انتظار سر می آید

***

تا نقش تو هست نقش آیینه ما

بوی خوش گل نشسته در سینه ما

در دیده بهار جاودان می شکفد

با یاد تو ای امید دیرینه ما

***

گر پرده ز رخ باز نماید مهدی

از خلق جهان دل برباید مهدی

ای شیعه چنان منتظر مولی باش

گویی که همین جمعه بیاید مهدی

***

در تاک مگر شراب پنهان نشده

در غنچه مگر گُلاب پنهان نشده

ای بی خبران که منکر ظهورش شده اید

در شب مگر آفتاب پنهان نشده

***

عمری ست که از حضور او جا ماندیم

در غربت سرد خویش تنها ماندیم

او منتظر است تا که ما برگردیم

ماییم که در غیبت کبرا ماندیم

***

در غم هجر رخ تو در سوز و گدازیم

تا به کی زین غم جانکاه بسوزیم و بسازیم

آید آن روز که در باز کنی پرده گشایی

تا به خاک قدمت جان و سر خویش ببازیم

***

تا کی در انتظار تو شب را سحر کنم

شب تا سحر به یاد رخت ناله سرکنم

ای غایب از نظر، نظری کن به حال من

تا چند سیل اشک روان از بصر کنم

***

ای چاره درخواست کنندگان ادرکنی

ای مونس و یار بی کسان ادرکنی

من بی کسم و خسته و مهجور و ضعیف

یا حضرت صاحب الزمان ادرکنی

***

مُردم به خدا از غم هجران و جدایی

ای دلبر دور از نظرم پس تو کجایی

بر حال دل زار تو خود خوب گواهی

جز عشق تو ما را نبود هیچ گناهی

***

ای دل اگر عاشقی، درپی دلدار باش

بر در دل روز و شب، منتظر یار باش

دلبر تو دائماً بر در دل حاضر است

روزن دل بر گشا، واله و هشیار باش

***

اندر آیینه دل عکس شهی می طلبم

به حریم حرم دوست رهی می طلبم

روز و شب ناله زنان، ندبه کنان اشک فشان

از خدا دیدن رخسار مهی می طلبم

***

تو همچو بوی محبت ز پشت پنجره ها

درون ذهن شقایق خطور خواهی کرد

نگاه شوق و امیدم به آن دم صبحی ست

که خاک را به قدومت چطور خواهی کرد؟!

***

قیامت قامت و قامت قیامت

قیامت می کند آن قد و قامت

موذن گر ببیند قامتت را

به قد قامت بماند تا قیامت

***

بیا دوباره پاک کن ز جاده ها غبار را

به عاشقان نوید ده رسیدن بهار را

تمام لحظه های من فدای یک نگاه تو

بیا و پاک کن ز دل حدیث انتظار را

***

صدای آمدنت را به گوش ما برسان

زمان غیبت خود را به انتها برسان

کنار تربت زهرا به وقت نافله ات

دعای خویش را به یاری این گدا برسان

***

خدایا تا به کی هجران مهدی

به دستم حسرت دامان مهدی

الهی هر بلا از حضرتش دور

الهی من بلاگردان مهدی

***

کدام جمعه دعا مستجاب خواهد شد

سوار صاعقه پا در رکاب خواهد شد

کدام جمعه ز عطر بهشتی گل یاس

بهار غرق شمیم گلاب خواهد شد

***

دوباره جمعه شد یارم نیامد

خدایا یار من از در نیامد

نگار بی قرینه کی می آیی

سحرخیز مدینه کی می آیی

***

دلم هر جمعه در تاب و تب ا ست

عاشقانه بی قرار دلبر است

گفتم اما این جمعه پایان غم ست

جمعه رفت و باز چشمم بر ره ست

***

آقای جمعه های غریبی ظهور کن

دل را پر از طراوت عطر حضور کن

یک گوشه از جمال تو یعنی تمام عشق

یک دم فقط بیا و از اینجا عبور کن

***

این دیده نیست قابل دیدار روی تو

چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را

تو در میان جمعی و من در تفکّرم

کاندر کجا روم که پیدا کنم تو را

***

برای آمدنت انتظار کافی نیست

دعا و اشک و دل بی قرار کافی نیست

تمام هرچه شراب است غیر چشمانت

برای مستی چشمی خمار کافی نیست

***

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان ا ست

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت

گفتا نشان چه پرسی آن کوی بی نشان ا ست

***

نازنینا گر طبیبی بنده بیمار توام

با دلی پر آرزو مشتاق دیدار توام

گر بگویی جای پایت روی چشمان من ا ست

چشم ها سهل است من با جان خریدار توام

***

کاش روزی سینه ها دریای توفان خیز گردد

کوچه از عطر عبوری ناگهان لبریز گردد

جان بگیرد لحظه هامان از حضور آشنایت

از نوایت وسعت هر سینه عطرآمیز گردد

***

از عشق تو گفتیم و نمک گیر شدیم

تا ساحل چشمان تو تکثیر شدیم

گفتند غروب جمعه خواهی آمد

آن قدر نیامدی که ما پیر شدیم

***

صحبتی شد که خدا باب نجاتی بفرست

تلخی ذائقه را شاخه نباتی بفرست

می رسد با علم سبز امامت بر دوش

از چه خاموش نشستی صلواتی بفرست

***

کاش از دلبر نشانی داشتیم

بر سر کویش مکانی داشتیم

از برای مهدی صاحب زمان

کاش در دل جمکرانی داشتیم

***

آقا بیا تا زندگی معنا بگیرد

شاید دعای مادرت زهرا بگیرد

آقا بیا تا با ظهور چشم هایت

این چشم های ما کمی تقوا بگیرد

***

امشب زمین و آسمان گردیده پر شور و شعف

امشب تمام عرشیان بهر زیارت بسته صف

امشب که عیدی می دهد بر عاشقان شاه نجف

امشب تو هم مستی کن و دل را بری کن از اسف

***

قطعه گمشده ای از پر پرواز کم ا ست

یازده بار شمردیم، یکی باز کم ا ست

این همه آب که جاری است نه اقیانوس ا ست

عرق شرم زمین است که سرباز کم ا ست

***

روز ولادت گل خلاق سرمد است

او از تبار حیدر و از نسل احمد است

در آسمان و زمین می رسد به گوش

میلاد قائم آل محمد است

***

دل ها ز هجر روی مهت چون شکسته اند

چشمان به راه آمدنت بس که خسته اند

ص:۸۳

خیل عظیم منتظران با تمام عشق

از عمق دل به یاد ظهورت نشسته اند

***

برخیز که حجّت خدا می آید

رحمت ز حریم کبریا می آید

از گلشن عسکری گذرکن کامروز

بوی گل نرگس از فضا می آید

***

این عشق آتشین ز دلم پاک نمی شود

مجنون به غیر خانه لیلا نمی شود

بالای تخت یوسف کنعان نوشته اند

هر یوسفی که یوسف زهرا نمی شود

***

یک لحظه دلم خواست صدایت بکنم

گردش به حریم باصفایت بکنم

آشوب دلم به من چنین فرمان داد

در سجده بیفتم و دعایت بکنم

***

شعبان شد و پیک عشق از راه آمد

عطر نفس بقیه الله آمد

با جلوه سجاد و حسین و عباس

ص:۸۴

یک ماه و سه خورشید در این ماه آمد

***

جانی همه داغ انتظار است مرا

چشمی همه دم ستاره بار است مرا

از بس که گل لاله به دامن دارم

امید شکفتن بهار است مرا

***

ای معطر ز عطر روی شما

باغ سبز بهار باور ما

با شما ما و یک جهان شادی

بی شما ما و یک دل تنها

***

سرّی که فقط خدا از آن آگاه است

مهدی گل بی خزان آل الله ا ست

ای منتظران حضرتش برخیزید

پیغام دوباره سحر در راه است

***

ما منتظران لحظه دیداریم

از عطر گل محمدی سرشاریم

این حرمت و عزّت و سرافرازی را

از حُرمت انتظار مهدی داریم

***

خواهی که در پناه کرامات سرمدی

ایمن شوی ز فتنه و ایمن ز هر بدی

لبریز کن ز عطر گلِ نور سینه را

با ذکر سبز یک صلوات محمدی

***

ماییم و دلی ز عشق رویت سرشار

ای مرد خدا، سوار آیینه تبار

هر فاصله ترجمان دلتنگی ماست

باز آ و همه فاصله ها را بردار

***

دل پریشونم پریشونم که اربابم نیومد

بعد عمری عاشقی حتی یه شب خوابم نیومد

آسمون عصرای جمعه مثل من بهونه گیره

بارون گریه باهام حرف می زنه که خیلی دیره

***

گر نیایی تا قیامت انتظارت می کشم

منت عشق از نگاه پر شرابت می کشم

ناز چندین ساله چشم خمارت می کشم

تا نفس باقی ست اینجا انتظارت می کشم

***

ص:۸۶

اینجا کسی برای تو جا وا نمی کند

این خاک احترام به دریا نمی کند

نامت برای دفع بلا روی طاقچه ست

ورنه کسی نگاه به آقا نمی کند

***

کدام گوشه دنیا نهفته روی چو ماهت

اله من ز که پرسم نشان یوسف چاهت

چقدر ناز غزل را کشیده ام که سراید

تمام سوز دلم را ز دوردست نگاهت

***

این آخرین ستاره بخت ا ست در زمین

آقای سبزپوش بهاری بیا ببین

مرهم نمانده است و مداوا نمی شود

احساس های زخمی و دل های آهنین

***

ای حریم کعبه محرم بر طواف کوی تو

من به گرد کعبه می گردم به یاد روی تو

گرچه بر محرم بود بوئیدن گل ها حرام

زنده ام من ای گل زهرا ز فیض بوی تو

***

این دل اگر کم است، بگو سر بیاورم

یا امر کن که یک دل دیگر بیاورم

مولا خلاصه عرض کنم دوست دارمت

دیگر نشد عبارت بهتر بیاورم

***

پر از عطشم مرا تو دریایی کن

سرشار از احساس و تماشایی کن

هرچند که ما بدیم و پیمان شکنیم

ای خوب بیا دوباره آقایی کن

***

ما زمزمه حضور را می فهمیم

معنای زلال نور را می فهمیم

از بس که به داغ انتظارت ماندیم

ای باور دل ظهور را می فهمیم

***

از نسل گل و بهار و آیینه تویی

منظومه انتظار دیرینه تویی

ما منتظران وعده دیداریم

خورشید زلال روز آدینه تویی

***

لبریز ترانه و نوایم با تو

از درد و غم زمان رهایم با تو

تو سبزترین بهار در جان منی

سبز است تمام لحظه ها یم با تو

***

در حسرت تو دربدری شد نصیب خضر

ورنه به سیر کوه و بیابان چه می کند

دست نیاز به سوی تو دارد وگرنه نوح

با زورق شکسته به طوفان چه می کند

***

اگر چه روز من و روزگار می گذرد

دلم خوش است که با یاد یار می گذرد

چقدر خاطره انگیز و شاد و رویایی ست

قطار عمر که در انتظار می گذرد

***

ای آنکه در نگاهت حجمی ز نور داری

کی از مسیر کوچه قصد عبور داری

چشم انتظار ماندم تا بر شبم بتابی

ای آنکه در حجابت دریای نور داری

***

بهار عشق شکوفا نمی شود بی تو
بیا که غنچه دل وانمی شود بی تو
بر آی از افق ای آفتاب صبح امید
که شب رسیده و فردا نمی شود بی تو

***

یک عمر به انتظار ماندیم همه
غمدیده و بی قرار ماندیم همه
باز آ که شکست دل ز یاد غم تو
بی روی تو بی بهار ماندیم همه

***

آهوی رمیده ای که بر می گردی
پیغام سپیده ای که بر می گردی
گفتیم شبی سیاه از غم داریم
انگار شنیده ای که بر می گردی

***

ما منتظر توایم و تو منتظری
از سختی انتظار خود با خبری
یک جمعه دیگر سپری گشت و نگشت
هجران تو ای صاحب جمعه سپری

***

منی که مایه ننگم به حد رسوایی

چگونه از تو بخواهم به دیدنم آیی

چو خویش یار تو دیدیم چه نیک فهمیدیم

عزیز فاطمه مهدی چقدر تنهایی

***

خون شد دل من از این جدایی ای دوست

تا چند بنالم که کجایی ای دوست

هر شب به امید سر نهم بر بالین

شاید تو به خواب من بیایی ای دوست

***

اسیر مانده ایم در بهانه های پاپتی

و میله های آهنین و عشق های ساعتی

حوالی نگاهمان دوباره صف کشیده است

صدای تیک تاک غم شماره های صنعتی

***

گرفته بوی تو را خلوت خزانی من

کجایی ای گل شب بوی بی نشانی من

چنان که عطر تنت در رواق ها جاری است

چگونه گل نکند بغض جمکرانی من

***

خدا کند که مرا با خدا کنی آقا

ز قید و بند معاصی رها کنی آقا

دعای ما به در بسته می خورد ای کاش

خودت برای ظهورت دعا کنی آقا

***

دل گفت ز راه آشنا می آیی

از جاده سرخ کربلا می آیی

یک روز ز روزهای زیبای خدا

یک روز به دلجویی ما می آیی

***

ای نور خدا به وسعت آیینه

آگاه ز راز خلوت آیینه

یک لحظه بتاب در شب تنهایی

سوگند تو را به حرمت آیینه

***

دارد زمان آمدنت دیر می شود

دارد جوان سینه زنت پیر می شود

تقصیر گریه های غریبانه شماست

دنیا غروب جمعه چه دلگیر می شود

***

دیدیم تو را دوباره بر می گردی

از باغ پر از ستاره بر می گردی

گفتند که چاره نیست بر درد فراق

انگار برای چاره بر میگردی

***

ای دل ای دل آشنایی می رسد

ناله ها را هم نوایی می رسد

ما که از عشق و جنون آکنده ایم

کارمان آخر به جایی می رسد

***

تا وعده قیامت تو صبر می کنیم

بر داغ بی نهایت تو صبر می کنیم

ای از تبار آینه و آفتاب و عشق

تا مژده زیارت تو صبر می کنیم

***

با نور نوشتند به پیشانی خورشید

ماهی که جهان منتظرش بود درخشید

بر منتظران این خبر خوش برسانید

کامشب، شب قدر است، همه قدر بدانید

***

بیا که در فراق تو د ل های ما ز هم بگسست

بدون تو تمامی ایام و سال ها نحس است

چه سیزدهم چه دگر روز در غیاب تو در شد

میان ما هنوز ز روز ظهور تو بحث است

***

سحر از دامن نرجس برآمد نوگلی زیبا

گلی کز بوی دلجویش جهان پیر شد برنا

به صبح نیمه شعبان تجلی کرد خورشیدی

که از نور جبینش شد منور دیده زهرا

***

آخرین جمعه سال است کجایی آقا

آسمان غرق خیال ا ست کجایی آقا

یک نفرعاشق اگر بود زمین می فهمید

عاشقی بی تو محال است کجایی آقا

***

از نو شکفت نرگس چشم انتظاریم

گل کرد خار،خار شب بی قراریم

تا شد هزارپاره دل از یک نگاه تو

دیدم هزار چشم در آیینه کاریم

***

از میان اشک ها خندیده می آید کسی

خواب بیداری ما را دیده می آید کسی

با ترنم با ترانه با سروش سبز آب

از گلوی بیشه خشکیده می آید کسی

***

از انتظار خسته ام و یا دلم گرفته ا ست

تو مدتی ست رفته ای بیا دلم گرفته ا ست

نگاه سرد پنجره به کوچه خیره مانده بود

گمان کنم بداند او چرا دلم گرفته ا ست

***

از فراقت به جوانی همگی پیر شدیم

بی تو از وادی دنیا همگی سیر شدیم

بی خود از حادثه عشق تو دیوانه و مست

عاشق کوی تو گشتیم و زمین گیر شدیم

***

بود محرابم ابروی تو ای دوست

نمازم جانب کوی تو ای دوست

اگر حبل المتین فرموده قرآن

نباشد غیر گیسوی تو ای دوست

***

ای طبیبا به سر بستر بیمار بیا

بهر دلداری دلسوخته زار بیا

تو که دل را به نگاهی بربودی

به پرستاری بیمار دل افکار بیا

***

غیر از تو مرا دلبر و دلدار نباشد

دل نیست هر آن دل که تو را یار نباشد

شادم که غم هجر تو گردیده نصیبم

بهتر ز غم هجر تو غمخوار نباشد

***

دوباره جمعه شد، امن یجیب می خوانم

نیامدی و من اینجا غریب می مانم

به جان خسته رمق نیست شکوه ها دارم

تو خسته ای ز من آقا عجیب می دانم

***

باز هم جمعه شد و چشم به ره مانده شدم

باز از دوری تو خسته و درمانده شدم

باز هم جمعه شد و از تو خبر نشنیدم

باز از بی خبری های دلم نالیدم

***

بوی عطر یاس دارد جمعه ها

وعده دیدار دارد جمعه ها

جمعه ها دل یاد دلبر می کند

نغمه یابن الحسن سر می کند

***

این جمعه هم گذشت تو اما نیامدی

ای روح آسمانی دریا نیامدی

ای از تبار آینه ها ای حضور سبز

ای آخرین ذخیره طه نیامدی

***

نخواهم گل که گل بی اعتبار ا ست

تمام سر آن فصل بهار است

تو را خواهم من از گل های عالم

که بوی تو همیشه ماندگار ا ست

***

امشب نشسته بر دلم غم های عالم

بی تو گذشت این جمعه هم آقای عالم

این جمعه هم از تو خبر حتی نیامد

شب آمد و من ماندم و غم های عالم

***

یاعلی جانم به قربانت بگو مهدی کجاست؟

بوسه ام تقدیم دستانت بگو مهدی کجاست؟

گاه گاهی جمعه ها دل بی قراری می کند می شوم این هفته مهمانت بگو مهدی کجاست؟

***

وقتی بیایی نسل طوفان در رکابت

جنگل به جنگل این سواران در رکابت

وقتی بیایی آسمان نوشان خاکی

آتشْ نَفَس، بی مرگ مردان در رکابت

***

نه در این کوه صدایی نه در این دشت غباری

نه به این روز امیدی نه از آن دور سواری

تا کنیم عزم خود جزم به یاری سواری

برس ای عشق به داد دل ما چشم به راهان

***

هجران جانان تا به چند آن یار کو آن یار کو؟

در جمکران قلب من دیدار کو دیدار کو؟

ای عاقلان دیوانه ام، زنجیر زلف یار کو؟

بر شعله های شوق دل، پروانه دلدار کو؟

***

گلها همه با اذن تو برخاسته اند

از بهر ظهور تو خود آراسته اند

مردم همه در لحظه تحویل حتماً

اول فرج تو از خدا خواسته اند

***

عید است ولی بدون او غم داریم

عاشق شده ایم و عشق را کم داریم

ای کاش که این عید ظهورش برسد

این گونه هزار عید با هم داریم

***

کاش می شد اشک را تهدید کرد

مدت لبخند را تمدید کرد

کاش می شد در میان لحظه ها

لحظه دیدار را نزدیک کرد

***

چه عاشق می شوم وقتی که تنها می شوم با تو

و چشمان تو را محو تماشا می شوم با تو

تو را از چشم های من نهان کردند و می دانند

همین امروز و فردا باز پیدا می شوم با تو

***

ص:٩٩

سر خوش ز سبوی غم پنهانی خویشیم

چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشیم

هر چند امید بسته دنیا نیم اما

دلبسته یاران خراسانی خویشیم

***

دلم هوای تو کرده هوای آمدنت

صدای پای تو آید صدای آمدنت

بهار با تو بیاید به خانه دل ما

قدم به خانه ما نِه صفای آمدنت

***

ای نسیم سرخوشی که از کرانه ها عبور می کنی

و ای چکاوکی که کوچ تا به جلگه های دور می کنی

ای راهیان گر از دیار یار ما عبور می کنید

پرسشی کنید از او که ای بهار کی ظهور می کنی

***

ما عاشق فهم و ادب و معرفتیم

ما خاک قدوم هر چه زیباصفتییم

از زشتی کردار دگر خسته شدیم

محتاج دو پیمانه می معرفتیم

***

نیمه شب صورت خود را به خدا خواهم کرد

از خدا خواهش دیدار تو را خواهم کرد

تا که جان دارم و از سینه نفس می آید

به تو و مهر تو ای دوست وفا خواهم کرد

***

ای آفتاب هستی ای شور عشق و مستی

باز آ بخوان کلامی زان معجز الهی

ای دیده ها به راهت ای قائم هدایت

تا کی کنم حکایت شرح غم جدایی

***

ای پری رو ز چه رو، روی نشانم ندهی

مویی از طره گیسوی نشانم ندهی

دلم از هجر رخت سوخت خدا را ز چه رو

جلوه ای زان رخ دلجوی نشانم ندهی

***

عاقل نبود هر آن که مجنون تو نیست

مجنون نبود هر آن که مفتون تو نیست

مؤمن نبود کسی که نشناخت تو را

شاکر نبود کسی که ممنون تو نیست

***

مرا غیر از تو امیدی به کس نیست

یقیناً غیر تو کس داد رس نیست

خدا را ای که مُردم در فراقت

دگر آیا زمان هجر بس نیست

***

خوشا چشمی که بیند روی ماهت

خوشا جانی که گردد خاک راهت

روا باشد دهد جان عاشق تو

اگر افتد به روی او نگاهت

***

امروز غریب آل احمد مهدی ا ست

یکتا گل بوستان سرمد مهدی ا ست

ویرانگر مسلک و مرام باطل

احیاگر آیین محمد مهدی ا ست

***

بیا ای صاحب عصر و زمانه

قدم کن رنجه و بر چشم ما نِه

سر ما گوی چوگان تو ای دوست

دل ما تیر عشقت را نشانه

***

دوای درد ما تنها ظهور ا ست

ظهوری کاندر آن فیض حضور است

هر آن کس کو بود غافل زیادش

دو چشم باطنش و الله کور است

***

بیمار گشته است قلوب از عیوب ما

دانیم گشته سد دعاها ذنوب ما

یا غافرالذنوب گناهان ما ببخش

وانگه رسان ظهور طبیب قلوب ما

***

به غفلت عمر را طی می کنم من

بهار عمر را دی می کنم من

اگر یک جلوه بر قلبم نمایی

خیال معصیت کی می کنم من

***

مُردم و آخر ندیدم روی نیکوی تو را

گوش من نشنید جانا صوت دلجوی تو را

سرمه ای با دست خود بر هردو چشمانم بکش

نور تا گیرد دو چشمم بنگرم روی تو را

***

جان ما آمده از هجر تو بر لب باز آ

روز ما بین که بود تیره تر از شب باز آ

ای امید دل صدیقه کبری عجّل

وی زداینده غم از دل زینب باز آ

***

بدم در جان، دم رحمانیت را

عیان کن چهره پنهانیت را

به لب جانم رسید از حسرت تو

نشانم ده رخ نورانیت را

***

کشتی شکسته ایم نجات غریق کو؟

ناجی ما ز بحر مخوف و عمیق کو؟

از غصه فراق رسیدست جان به لب

شریک قصه و یار شفیق کو؟

***

چشمه های نور را از دیده جاری می کنیم

تا بیایی جمعه ها را بی قراری می کنیم

در شقایق زارها با اشک سرداران عشق

رد پای خسته ات را مشکباری می کنیم

***

خال زیبای جمال دلربایت را بنازم

بوی عطر جانفزای خاک پایت را بنازم

گرچه سروناز نازد بر قد و بالای نازش

سرونازم ناز کم کن نازهایت را بنازم

***

نباشد بی تو عالم را صفایی

نه دین را بی تولایت بهایی

مگر من دست برمی دارم از تو

تو جانی، دلربایی، مقتدایی

***

کند هر کس ز درگاهت گدایی

ز حقِّ حق رسد آخر به جایی

نبرده بویی از عرفان و معنا

ندارد آنکه با تو آشنایی

***

مقدر کن خدایا انس و جان را

ظهور مهدی صاحب زمان را

رسان امشب به داد خلق عالم

یگانه منجی خلق جهان را

***

اگر کعبه مطاف خاکیان ا ست

و یا گر قبله افلاکیان ا ست

طواف کعبه و سنگ سیاهش

به گرد مهدی صاحب زمان ا ست

***

لطف کن دست من از دامن خود دور مکن

اینقدر ناز به این عاشق مهجور مکن

میل دارم به رکاب تو ملازم گردم

اشتهای من دل سوخته را کور مکن

***

خدا را یک نگاهی سوی ما کن

ز چنگ نفس امّاره رها کن

کرم کن مهدیا در خدمت خود

نصیب و روزی ما کربلا کن

***

یارب ظهور مهدی ما عن قریب کن

بیرون دگر ز قلب جنابش شکیب کن

تقدیر ما اگر نبود درْک عهد وصل

توفیق دیدن رخ ماهش نصیب کن

***

تو هم یک گوشه چشمی به ما کن

نگاهی هم به این بیچاره ها کن

بلای هجر ما را مبتلا کرد

عنایت کن ز ما دفع بلا کن

***

ما عاشق بی قرار یاریم همه

بر درد فراق او دچاریم همه

از پای به جان او نخواهیم نشست

تا سر به قدومش بسپاریم همه

***

راحت همگی به راحتی تن دادیم

یک مشت شعار نامعین دادیم

هر هفته غروب جمعه ها ما تنها

آموزش منتظر نشستن دادیم

***

گل گلزار هستی دلبر ماست

همان دلبر که او تاج سر ماست

دریغا چشم ما او را نبیند

اگر چه دائما اندر بر ماست

***

رایحه ای ببویمت نرگس خوب روی من

بگذار تا بجویمت ای همه جست وجوی من

راز دلم بگویمت ای همه گفت وگوی من

خون جگر خبر کند قصه مو به موی من

***

در سری نیست که سودای سرکوی تو نیست

دل سودازده را جز هوس روی تو نیست

سینه غمزده ای نیست که بی روی و ریا

هدف تیر کمان خانه ابروی تو نیست

***

گفتند که تک سوارمان در راه ا ست

از اول صبح چشممان بر راه ا ست

از یازده دوازده قرن گذشت

تا ساعت تو چقدر دیگر راه ا ست

***

رافع عسر و حرج می رسد انشاء الله

یعنی آن ختم حجج می رسد انشاء الله

مژده بر منتظران مهدی زهرا بدهید

عن قریب عصر فرج می رسد انشاء الله

***

عزیز فاطمه جانم فدای قلب مغمومت

فدای آن جمال پشت ابر مکتومت

عزای جد تو برپاست دعوت می کنیم از تو

بیا در مجلس اهل عزای جد مظلومت

***

هر آن کس کار با مولا ندارد

یقیناً بهره از معنا ندارد

به غیر از آتش سوزان دوزخ

مقامی روز وانفسا ندارد

***

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم

از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم

سرمایه ز کف رفت و تجارت ننمودیم

جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم

***

چشمی که داشت تازگی از شبنم نگاه

در انتظار با گذر لحظه شد عجین

پر شد تمام ظرف زمان بی حضور تو

پس کی ظهور می کنی ای منجی زمین

***

یکی از جمعه ها جان خواهد آمد

به درد عشق درمان خواهد آمد

غبار از خانه های دل بگیرید

که بر این خانه مهمان خواهد آمد

***

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد

منجی عالم، پناه بی پناهان خواهد آمد

غم مخور ای فاطمه ای بانوی پهلو شکسته

مهدیت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

***

چشمم به انتظار تو تر شد نیامدی

اشکم شبیه خون جگر شد نیامدی

گفتم که روز جمعه تو از راه می رسی

مویم سپید و عمرم هدر شد نیامدی

***

در سینه دلی به وسعت غم دارم

بر زخم دلم نیاز مرهم دارم

هر چیز برای خود فراهم کردم

در زندگی فقط تو را کم دارم

***

اگرچه صفحه اعمال من سیه رنگ ا ست

دلم برای تو یاصاحب الزمان تنگ است

به روی بام تو خوانم اگرچه می دانم

سزای مرغ بدآواز سنگ ا ست

***

بنویس که چرا هرچه نامه دادم به او نرسید

بنویس که یک نفر به دادم نرسید

بنویس که قرار من و او هفته بعد

این جمعه که هرچه ایستادم نرسید

***

می شود این رمضان موعد فردا باشد

آخرین ماه صیام غم مولا باشد

می شود در شب قدرش به جهان مژده دهند

که همین سال ظهور گل زهرا باشد

***

سالار وقت آمدنت دیر شد بیا

دل در انتظار فرجت پیر شد بیا

دیدم به خواب آمدی از جاده های نور

گفتا دلم که خواب تو تعبیر شد بیا

***

روزی ز سفر ستاره بر می گردد

عشق من و تو دوباره بر می گردد

تردید مکن من مطمئنم فردا شب

آن دلبر ماه پاره برمی گرد

***

کتاب بسته بماند اگر نیایی تو

رسول خسته بماند اگر نیایی تو

در مقدس آن خانه ای که می دانی

بلی شکسته بماند اگر نیایی تو

***

باز هم صحبت فرداست قرارِ ماها

باز هم خیر ندیدیم از این فرداها

چقدر پای همین وعده تو پیر شدند

جگر مادرها موی سر باباها

***

برای آمدنت انتظار کافی نیست

دعا و اشک و دل بی قرار کافی نیست

خودت دعا بکن ای نازنین که برگردی

دعای این همه شب زنده دار کافی نیست

***

من به چشم شیعیانم جلوه الله و نورم

من میان دوستانم، گر چه پندارند دورم

ملک هستی بحر مواجی بود از شوق و شورم

دوستان، آماده نزدیک است ایام ظهورم

***

به دنبال تو می گردم نمی یابم نشانت را

بگو باید کجا جویم مدار کهکشانت را

تمام جاده را رفتم غباری از سواری نیست

بیابان تابیابان جسته ام رد نشانت را

***

از هجر تو طبیعت ما گریه می کند

چشم تمام آینه ها گریه می کند

چشم انتظار آمدنت شیرخواره ای ست

گهواره ای به کرب و بلا گریه می کند

***

یا این دل شکسته ما را صبور کن

یا لاأقل به خاطر زینب ظهور کن

دیگر بتاب از افق مکه ماه ما

این جاده های شب زده را غرق نور کن

***

مسیر مسیح بهاران کجاست؟

صفا گستر لاله زاران کجاست؟

رگ و ریشه لاله از هم گسست

گل اندیشه سربداران کجاست؟

***

کجاست منتظر تو چه انتظار عجیبی؟

تو بین منتظران هم عزیز من چه غریبی

عجیب تر که چه آسان نبودنت شده عادت

چه کودکانه دل سپردیم به بازی قسمت

چه بی خیال نشستیم، نه کوششی نه تلاشی

فقط نشسته و گفتیم خدا کند که بیایی

***

هنوزم انتظار و انتظار است

هنوزم دل به سینه بی قرار است

هنوزم خواب می بینم به شب ها

همان مردی که بر اسبی سوار است

همان مردی که آید جمعه روزی

و این پایان خوب انتظار است

***

شب از حضیض نهان سوی اوج می آیند

چو وقتِ وقت رسد، فوج فوج می آیند

قسم به صبر و صفاشان به رأیشان سوگند

به شیهه نفس اسب هایشان سوگند

که گرد ظلمت شب به باره می شویند

به خون تازه زمین را دوباره می شویند

***

یعقوب شنیده ا ست بوی پیرهن امشب

مهدی زده لبخند به روی حسن امشب

بشکفت به شوق و شعف و زمزمه امشب

گل از گل لبخند بنی فاطمه امشب

مرغان بهشتی شده آواره مهدی

گردند به دور پسر فاطمه امشب

***

ای منتظران مژده که این منتظِر آمد

محبوب خدا حجت ثانی عشر آمد

سامرا امشب چه نازی می کند

بر زمین ها یکه تازی می کند

روز میلاد گل نرگس ز شور

آسمان هم عشقبازی می کند

***

ص:١١٥

امروز هم گذشت تو اما نیامدی

آه ای رسول خاتم غم ها نیامدی

گشتم پی مقام سلیمان خویشتن

من دیو سیرتم که تو پیدا نیامدی

هر گوهری برای مباداست نازنین

گویا نشده ست روز مبادا نیامدی

***

ساعات عمر من همگی غرق غم گذشت

دست مرا بگیر که آب ازسرم گذشت

تا کی غروب جمعه ببینم که مادرم

یک گوشه بغض کرده که این جمعه هم گذشت

مولا شمار درد دلم بی نهایت است

تعداد درد من به خدا از رقم گذشت

***

این همه لاف زن و مدعی اهل ظهور

پس چرا یار نیامد که نثارش باشیم

سال ها منتظر سیصد و اندی مردیم

آن قدر مرد نبودیم که یارش باشیم

اگر آمد خبر رفتن ما را بدهید

به گمانم که بنا نیست که یارش باشیم

***

ص:۱۱۶

شیعه یعنی روزهای انتظار

انتظار روی ماه آن نگار

انتظاری چون که می آید عزیز

گل بیار و گل بپاش و گل بریز

شیعه یعنی هر سحرگاه این دعا

کی می آید حجت ما ای خدا

***

جمعه یعنی یک غروب وعده دار

وعده ترمیم قلب یاس زار

جمعه یک مادر چشم انتظار

در هوای دیدن روی نگار

جمعه یعنی یه سما دلواپسی

می شود مولا به داد ما رسی

***

ما معتقدیم که عشق سر خواهد زد

بر پشت ستم کسی تبر خواهد زد

سوگند به هر چهارده آیه نور

سوگند به زخم های سرشار غرور

آخر شب سرد ما سحر می گردد

مهدی به میان شیعه برمی گردد

***

ص:١١٧

روی تو را ز چشمه نور آفریده اند

لعل تو را ز شراب طهور آفریده اند

خورشید هم به روشنی طلعت تو نیست

آیینه تو را ز بلور آفریده اند

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش

خورشید را برای ظهور آفریده اند

***

او یوسف دل ربای زهراست

با هیچ گهری خریدنی نیست

با دیده ای که لبریز گناه ا ست

روی چو ماهش دیدنی نیست

مگو ما را بدان شه بار نیست

با کریمان کارها دشوار نیست

***

ادعای دوستی دارم ولی ای وای من

روز و شب ها گریه کرد از دست من مولای من

روزها رفت؛ من از مولای خوبم غافلم

هر کسی جا داده ام اندر دلم

ظاهراً مجنون و او لیلای بی همتای ماست

باطناً لیلی ما دنیای پر غوغای ماست

***

ص:١١٨

باز هم آدینه ای آمد ولی مهدی کجاست

یک نفر می گفت مهدی جمعه ها در کربلاست

رو به سوی کربلا کردم که فریادش زنم

باز هم با ندبه ای از هجر مولا دم زنم

آمد از سویی ندایی،ای اهل انتظار

اندکی دیگر صبوری، می رسد دیدار یار

***

مرا با عشق خود درگیر کردی

به پایم با غمت زنجیر کردی

بدان دنیای بی تو، هیچ باشد

دلم را از زمانه سیر کردی

تو با رفتن به پشت ابر ایام

غروب جمعه را د ل گیر کردی

***

غبار آمدنت را ندیده قطره اشکی

اشاره ای به ظهورت نکرده دست دعایی

بیا عصاره حیدر بیا چکیده زهرا

بیا که بوی رسولی بیا که نور خدایی

شب غریبی مان می شود به یاد تو روشن

تویی که در همه شب ها چراغ خانه مایی

***

هزار و سیصد و هشتاد و نه رسید آقا

هنوز چهره ات اما نشد پدید آقا

گشا پرده ز رخسار و جلوه ای بنما

به قلب منتظرانت بده امید آقا

پس از دعای ظهورت امیدم آن روزست

که در میان نگاهت شوم شهید آقا

***

عمری به انتظار نشستم، نیامدی

دل را به روی غیر تو بستم، نیامدی

ای خضر راه گم شدگان در مسیر عشق

چشم انتظار هر چه نشستم، نیامدی

گفتند سبز پوش تو از کعبه می رسد

هر جمعه رو به کعبه نشستم نیامدی

***

چه جمعه ها که یک به یک غروب شد نیامدی

چه بغض ها که در گلو رسوب شد نیامدی

خلیل آتشین سخن، تبر به دوش بت شکن

خدای ما دوباره سنگ و چوب شد نیامدی

برای ما که دلشکسته ایم و خسته ایم نه

ولی برای عده ای چه خوب شد نیامدی

تمام طول هفته را به انتظار جمعه ام

دوباره صبح، ظهر، نه، غروب شد نیامدی

ص:۱۲۰

***

بخوان دعای فرج را دعا اث__ر دارد

دعا کبوتر عشق ا ستُ بال و پر دارد

بخوان دعای فرج را و عافیت بطلب

که روزگار بسی فتنه زیر سر دارد

بخوان دعای فرج را که یوسف زهرا

ز پشت پرده غیبت به ما نظر دارد

بخوان دعای فرج را به یاد خیمه سبز

که آخرین گل سرخ از همه خبر دارد

***

یار من یوسف نیا اینجا کسی یعقوب نیست

لحظه ای چشمانشان از دوریت مرطوب نیست

ای گل زیبای من از غربتت اشکی نریخت

نازنین اینجا خدا هم پیششان محبوب نیست

نوبهارم در فراقت هیچ کس محزون نشد

منجی انسانیت اینجا شرایط جور نیست

گرچه در هر جمعه ای زیبا دعایت می کنند

این دعاها بر زبان است جنسشان مرغوب نیست

***

فرض کن حضرت مهدی به تو ظاهر گردد

خانه ات لایق او هست که مهمان گردد

ظاهرت هست چنانی که خجالت نکشی

باطنت هست پسندیده صاحب نظری

پول بی شبهه و سالم ز همه داراییت

داری آن قدر که برایش یک هدیه بخری

حاضری گوشی همراه تو را چک بکند

با چنین شرط که در حافظه اش دست نبری

واقفی بر عمل خویش تو بیش از دگران

می توان گفت تو را شیعه اثنی عشری

***

سؤالی ساده دارم از حضورت

من آیا زنده ام وقت ظهورت

اگر که آمدی من رفته بودم

اسیر سال و ماه و هفته بودم

دعایم کن دوباره جان بگیرم

بیایم در رکاب تو بمیرم

ای مدنی برقع و مکی نقاب

سایه نشین چند بُوَد آفتاب

منتظران را به لب آمد نفس

ای ز تو فریاد، به فریاد رس

***

ص:۱۲۲

سال های پیش، بالی آسمانی داشتیم

بال پرواز کران تا بیکرانی داشتیم

روزها گردی اگر بر روی دل ها می نشست

شب که می شد سنت خانه تکانی داشتیم

نذری روز ظهور مهدی موعودمان

صبح ها، چله به چله، عهدخوانی داشتیم

گاه گاهی جمعه ها اهل زیارت می شدیم

گاه گاهی میل سجده، جمکرانی داشتیم

ثانیه ثانیه هامان پای آقا می گذشت

آی مردم یک زمان، صاحب زمانی داشتیم

***

از جور زمانه ما شکایت داریم

اندازه کوه و صخره حاجت داریم

مشکل ما گرانی و بیکاری ا ست

آقا به نبودنت که عادت داریم

هر جمعه که شد بیا ما منتظریم

این هفته فقط نیا عروسی داریم

صد موعظه کن ولی ز تسلیم نگو

از خمس و زکات و ضرب و تقسیم نگو

آقا تو بیا ولی فقط با یک شرط

از آنچه که ما دوست نداریم نگو

***

ص:۱۲۳

بهار سبزِ نورانی نگاهم می کنی امشب

امید روح انسانی نگاهم می کنی امشب

من آن مجموعه عشقم پریشان حال و دلخسته

که رفته رو به ویرانی نگاهم می کنی امشب

مرا از میکده سهمی نمانده غیر از آه و غم

در این وقت پریشانی نگاهم می کنی امشب

دو چشمم اشک می بارد هوای دیدنت دارد

زچشمم گرچه پنهانی نگاهم می کنی امشب

نگاهم کن عطش سوزم دلم را بر تو می بندم

تو ای شوق مسلمانی نگاهم می کنی امشب

من از شوق لقایت تا ابد با شور می خوانم

که ای دلدار پایانی نگاهم می کنی امشب

***

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی

به کسی جمال خود را ننموده ای و بینم

همه جا به هرزبانی بود از تو گفت وگویی

همه خوشدل اینکه مطرب بزند به تار چنگی

من از آن خوشم که چنگی بزنم به تار مویی

چه شود که راه یابد سوی آب تشنه کامی

چه شود که کام جوید ز لب تو کام جویی

ص:۱۲۴

شود اینکه از ترحم دمی ای سحاب رحمت

من خشک لب هم آخر ز تو تر کنم گلویی

بشکست اگر دل من به فدای چشم مستت

سر خُم می سلامت شکند اگر سبویی

همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه بنشین کنار جویی

***

ای جان جهان بسته به یک نیم نگاهت

دلْ گشته چو گل، سبز به خاک سر راهت

هم بام فلک پایگه قدر و جلالت

هم چشم ملک خاک قدم های سپاهت

عیسی به شمیم نفست روح گرفته

دل بسته دوصد یوسف صدیق به چاهت

دل های خدایی همه چون گوی به چوگان

ارواح مکرم همه درمانده جاهت

از عرش خداوند الی فرش به هر آن

هستند همه عالم خلقت به پناهت

دائم صلوات از طرف خالق و خلقت

بر روی سفید تو و بر خال سیاهت

زیباتر و بالاتری از آنکه به بیتی

تشبیه به خورشید کنم یا که به ماهت

سوگند به چشمت که رسولان الهی

ص:۱۲۵

هستند به محشر همه مشتاق نگاهت

زیبد که کند ناز به گلخانه جنت

خاری که شود سبز در اطراف گیاهت

***

آقا سلام گرچه بلند ست جایتان

می خواهم از زمین بنویسم برایتان

یک نامه حاوی همه حرف های راست

یک نامه از کسی که کمی عاشق شماست

یک نامه از بلندی انسان که پست شد

یک نامه از کسی که دچار شکست شد

این نامه مدح نیست فقط شرح ماتم است

یک ذره از هزار نوشتم اگر کم ا ست

بعد از شما غبار به آیینه ها نشست

شیطان دوباره آمد و جای خدا نشست

پرپر شدند در دل طوفانی از بدی

گل های رو سپید همیشه محمدی

آمد به شهر فاجعه اسلام راحتی

انسان منهدم شده قرآن زینتی

بیمارهای عشق خدا بهتری شدند

جلباب هایمان کم کم روسری شدند

خورشید مُرد و شام تباهی دراز شد

بر روی دشمنان در این قلعه باز شد

ص:۱۲۶

دنیای ما اگرچه گرفتار آمد است

اما هنوز تشنه نام محمد است

در انتهای نامه خیسم سلام بر

همنام بزرگوار و نجیب پیامبر

***

کشتی نساز ای نوح طوفان نخواهدآمد

برشورزاردلها باران نخواهدآمد

شایدبه شعرتلخم خرده بگیری اما

جایی که سفره خالی است ایمان نخواهدآمد

رفتی کلاس اول این جمله را عوض کن

آن مرد تانیاید باران نخواهدآمد

***

ماوارثان وحی وتنزیلیم

عاشق ترین مردان این ایلیم

مردم تمام از نسل قابیلند

ما چندتا، فرزند هابیلیم!

دراین دویدن ها رسیدن نیست

عمریست روی تردمیلیم

آخرکجا می آیی آقاجان؟

بگذارمامشغول تحلیلیم

دنیابه کام قوم دجال است

ماهم که بادجال فامیلیم!

ص:۱۲۷

آقاشماتفسیر قرآنید

البته ماقائل به تاویلیم

نه عالم به احکام قرآنیم

نه عامل تورات وانجیلیم

گفتند شرط راستی مستی است

ماهم که ذاتامست وپاتیلیم

تعجیل کلّا کار شیطان است

اصلاچرامشتاق تعجیلیم؟

وقتی که شدآن وقت می گوییم

آقابیاکه کم کم تکمیلیم

وقت عمل هم می رسد اما

فعلا به فکرحفظ وترتیلیم

آخرچطوری حرف حق؟وقتی

مشغول ذکر و ورد وتهلیلیم

توی صف عشاقتان از صبح

ماصاحبان ساک و زنبیلیم

گفتندکه روزجمعه می آیی

ماروزهای جمعه تعطیلیم...

ص:۱۲۸

کتابنامه

۱- ابن بابویه قمی، ابوجعفرمحمدابن علی ابن حسین، کمال الدین وتمام النعمه، قم، سازمان چاپ ونشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.

۲- طوسی، ابی جعفر محمدابن الحسن، الغیبه، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.

۳- نعمانی، ابی عبدالله محمد ابن ابراهیم ابن جعفرالکاتب المعروف به ابن ابی زینب، الغیبه، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ش.

۵- سلیمان کامل، (یوم الخلاص)روزگاررهایی، تهران، آفاق، ج۵، ۱۳۸۶ش.

۶- ابی اثیر، عزالدین ابوالحسن علی ابن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۴ق.

۷- جمعی ازمحققان، آفتاب مهر، قم، بنیادفرهنگی مهدی موعود، ج۵، ۱۳۸۸ش.

۸- طبرسی، ابی منصوراحمدابن علی ابن ابی طالب، الاحتجاج، قم، انتشارات اسوه، بی تا.

۹- دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام، ج۱۷، ۱۳۸۲ش.

۱۰- نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، تهران، آسیانا، ج۲، ۱۳۸۶ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹